

الافضل

**عنوان:**

**ارزیابی شاخص های کیفیت زندگی در اشکدر**

**استاد: دکتر علی شهریار**

**دانشجو: فاطمه سادات میردهقان اشکدری**

**شماره دانشجویی:**

**۹۹۴۱۰۳۳**

## فهرست مطالب

۵.....	چکیده
۱۰.....	مقدمه
۱۱.....	تعریف کیفیت
۱۱.....	تعریف کیفیت زندگی
۱۳.....	دیدگاه های مربوط به کیفیت زندگی شهری
۱۵.....	رویکردهای نظری کیفیت زندگی
۱۶.....	۱- رویکرد برنامه ریزی شهری
۱۷.....	۲- رویکرد جغرافیایی
۱۸.....	۳- رویکرد فلسفی
۱۹.....	۴- رویکرد اجتماعی
۲۰.....	۵- رویکرد اقتصادی
۲۱.....	۶- رویکرد بوم شناسی
۲۲.....	ابعاد کیفیت زندگی شهری
۲۳.....	رویکردهای ارزیابی کیفیت زندگی شهری
۲۷.....	۱- رویکرد ذهنی
۲۸.....	۲- رویکرد عینی
۲۹.....	۳- رابطه بین کیفیت ذهنی و عینی
۳۰.....	شاخص های اصلی کیفیت زندگی
۳۱.....	شاخص های کیفیت زندگی در ایران
۳۴.....	مدل های کیفیت زندگی
۳۵.....	۱- مدل کیفیت زندگی هنکوک و همکارانش
۳۵.....	۲- مدل کیفیت زندگی کامپل و همکاران
۳۶.....	۳- مدل کیفیت زندگی لندزمن
۳۷.....	۴- مدل کیفیت زندگی فلیس و پری

- ۳۹..... ۵- مدل کیفیت زندگی رافائل
- ۴۰..... ۶- مدل کیفیت زندگی سالواریس
- ۴۰..... ۷- مدل کیفیت زندگی داس
- ۴۱..... ۸- مدل کیفیت زندگی میشل
- ۴۱..... ۹- کیفیت فراگیر زندگی اشمیت و نول
- ۴۳..... ۱۰- مدل کیفیت زندگی دلفیم و همکارانش
- ۴۴..... تکنیک های ارزیابی کیفیت زندگی
- ۴۴..... ۱- تکنیک SWOT
- ۴۷..... ۲- تکنیک AHP
- ۴۸..... تجربیات جهانی در زمینه کیفیت زندگی
- ۴۸..... نتیجه گیری
- ۴۹..... منابع

## چکیده

نقطه شروع توسعه اجتماعات انسانی شکل گرفتن درک درستی از نیازهای مردم و پس از آن پایش دستاوردهای توسعه است. سنجش کیفیت زندگی ابزار مناسبی برای چنین درکی عرضه می کند، زیرا مطالعه کیفیت زندگی راهی بین مسؤولان محلی و شهروندان برای تعاملی سازنده که منجر به تفسیر و بحث در مورد موضوعات کلیدی مؤثر بر زندگی مردم می شود، باز می کند. کیفیت زندگی شهری مقوله ای میان رشته ای و چند بعدی است که پس از رواج شهرنشینی جهان در قرن بیستم و پیامدهای آن در عرصه های مختلف به تدریج تحت تأثیر نظریه ها، جنبش ها و جریان های فکری متعددی شکل گرفت. مفهوم رفاه و عدالت اجتماعی، توسعه ی پایدار، برنامه ریزی مشارکتی و دموکراتیک و برنامه های سازمان ها و کمیسیون های جهانی در نیمه ی دوم قرن بیستم، هر یک به سهم خود در شکل گیری و توسعه ی مفهوم کیفیت زندگی تأثیرگذار بودند. کیفیت زندگی نشان دهنده ویژگی های کلی اجتماعی، اقتصادی و محیطی مناطق است و می تواند به عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه ریزی توسعه اجتماع به کار رود. لذا هدف غایی مطالعه کیفیت زندگی و کاربرد متعاقب آن، بدین منظور است که مردم توان بهره مندی از زندگی با کیفیت زندگی مطلوب را داشته باشند. مطالعات کیفیت زندگی به بررسی تأثیرات تمام موضوعاتی می پردازد که باعث بالارفتن سطح معنی زندگی و افزایش شادی و خوشی و تناسب شرایط زندگی شهروندان می گردد. در حوزه شهری، کیفیت زندگی در بهبود احساس و روحیه خوش بینی فرد شهرنشین در زندگی هر روزه اش تکیه دارد. معمول ترین شیوه برای سنجش کیفیت زندگی، توسعه شاخص های کیفیت زندگی است. اصلی ترین طبقه بندی که در بحث سنجش کیفیت زندگی همواره مورد توجه بوده، طبقه بندی آن به رویکردهای ذهنی و رویکردهای عینی بوده است. به طور کلی رویکردهای ذهنی با طرز تلقی و ذهنیت مردم از زندگی شان سروکار دارد و رویکردهای عینی با آنچه که در محیط اطراف به صورت کمیت قابل اندازه گیری اند.

شهر اشکذر مرکز شهرستان اشکذر در استان یزد است. این شهر در ۲۰ کیلومتری شمال یزد و در ۸ کیلومتری باختر جاده ترانزیتی و بین المللی یزد-تهران واقع شده است. طول جغرافیایی آن ۵۴ و ۱۳ و عرض جغرافیایی آن ۳۲ و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۱۷۵ متر است. اشکذر با ۵۵۵۲ کیلومتر مربع وسعت در رده چهارم شهرستانها در استان یزد قرار دارد که در استان یزد مرکز کشور ایران واقع شده است.

مردم شناسی :

زبان های گفتاری: فارسی رایج، فارسی دری یا گورونی یزدی و ...  
مذهب: مسلمان، شیعه

جغرافیای طبیعی :

مساحت : ۵۵۵۲ کیلومتر مربع

ارتفاع از سطح دریا: ۱۱۷۵ متر از سطح دریا آزاد  
مختصات:

موقعیت مکانی در استان: در فاصله ۲۰ کیلومتری شمال غربی شهر یزد (مرکز استان یزد)

اقلیم و آب‌وهوای

معتدل و خشک

میانگین دما: ۱۰ درجه سانتیگراد

حداکثر دما (ماکزیمم): ۴۸

-حداقل دما (مینیمم): ۵

سردترین ماه های سال: دی

گرم ترین ماه های سال: تیر

بارش سالانه: ۶۸ میلی متر

اطلاعات شهری:

ره‌آورد (سوغاتی): چادرشب بافی -لبافی - خورجین-شیرینی

پیش‌شماره تلفنی (بین‌المللی - داخلی): ۰۰۹۸۳۵۲-۳۶

شهرها و استانهای همجوار اشکذر

از شمال به شهرستان میبد

از جنوب به شهرستان یزد

از شمال شرقی به شهرستان اردکان

از جنوب به شهرستان تفت

از غرب به استان اصفهان

(جدول مسافت اشکذر تا مرکز شهرستانهای استان یزد) کیلومتر

فاصله یزد- اشکذر: ۲۰

فاصله ابرکوه - اشکذر: ۱۶۰

فاصله اردکان - اشکذر: ۴۰

فاصله بافق - اشکذر: ۱۴۰

فاصله بهاباد - اشکذر: ۲۰۵

فاصله تفت- اشکذر: ۴۰

فاصله مهریز- اشکذر: ۵۰

فاصله میبد - اشکذر: ۳۰

فاصله هرات (شهرستان خاتم) - اشکذر: ۲۸۰

منابع آب

قسمت اعظم محدوده حوزه نفوذ اشکدر از نظر منابع آبی در حوزه سفره آب زیر زمینی یزد - اردکان قرار گرفته است و بقیه آن یعنی قسمت غربی آن که ادامه ارتفاعات شیر کوه است تغذیه کننده این سفره می باشد. پس قسمت اعظم منابع آب آن آبهای زیر زمینی است که به صورت ۷۵ چاه عمیق و ۲۰ چاه نیمه عمیق و ۳۴۸ رشته قنات مورد استفاده قرار می گیرد.

در کل وضعیت فعلی آب اشکدر مطلوب و مناسب می باشد.

#### زلزله خیزی

شهر اشکدر از نظر تکنیکی (زلزله) فاقد گسل بوده و مقاوم تر از سایر قسمت‌های دیگر می باشد. ضریب لرزه خیزی منطقه از ۷۵/۰ تا یک تغییر می کند.

#### باد

از لحاظ وزش باد اشکدر منطقه ای باد خیز است و این بدلیل وجود آمدن شرایط فرابار در نواحی کوهستانی غرب و فروبار در نواحی پست شرقی است. باد غالب منطقه با توجه به اطلاعات موجود در ایستگاه سینوپتیک یزد بادهای غربی بویژه بادهای شمال غربی است. از دیگر بادهای وزنده در اشکدر می توان به باد اصفهان، باد قبله و باد سیاه کوه نام برد.

#### ویژگیهای اقتصادی شهر اشکدر

شغل اصلی و اولیه شهر اشکدر همانند سایر سکونتگاه های منطقه کشاورزی و دامپروری بوده است. اصولاً پیدایش سکونتگاه ها و تشکیل هست اولیه زندگی بر مبنای وجود آب و زمین مناسب جهت زراعت و نیز بدنبال آن پرورش بوده است. طی سالهای اخیر و محدودیت منابع آب و عدم توسعه کشاورزی که نتیجتاً کاهش در آمد کشاورز و عدم تامین هزینه روز افزون زندگی را بدنبال داشته است. امروزه درصد کمی از مردم اشکدر که آن هم غالباً افراد مسن می باشند به کار کشاورزی مشغولند که طبق اظهارات خودشان کشاورزی شغل دوم آنان بوده و درآمد آن به تنهایی پاسخگوی مخارج زندگیشان نیست.

همچنین بدلیل نزدیکی به شهر یزد وجود امکان سریع جابجایی ساکنین و تاثیرات شهر یزد بر سکونتگاه های اطراف مانند اشکدر به تدریج زمینه های شغلی دیگری را برای مردم منطقه بویژه طبقه جوان و تحصیل کرده در واحدهای اداری و صنعتی و تجاری را فراهم ساخته است. با توجه به بعد کم مسافت اشکدر نیازی به مهاجرت به شهر یزد نبوده است و افراد شاغل پس از فراغت از کار به سهولت می توانند به اشکدر بازگردند که این وضعیت باعث گردیده اشکدر دارای توان بالقوه ای جهت جذب جمعیت سر ریز یزد باشد.

اشکدر به دلیل داشتن برخی پارامترهای موثر در ایجاد صنایع از نظر صنعتی مکان مناسبی جهت استقرار صنایع می باشد. اشکدر در مسیر جاده مهم تهران - بندر عباس قرار دارد و یکی از نیازهای ایجاد صنعت وجود راه مناسب است. از لحاظ دسترسی اشکدر به آب برق گاز و تلفن نیز اشکدر در وضعیت بسیار مطلوبی است که خود اینها می تواند از عوامل مهم رونق صنایع مختلف در این شهر باشد.

از لحاظ خدماتی نیز اشکدر می تواند بسیار نقش خوبی را در تولید اشتغال ایفا نماید. شهر اشکدر به دلیل قرار گرفتن در راه ترانزیتی تهران - بندرعباس هر روزه پذیرای تعداد زیادی کامیون و سواری های عبوری

می باشد. افراد زیادی می توانند با ارائه خدماتی نظیر تعمیرگاه ها ، فروشندگان لوازم یدکی، آهنگران ، فروشندگان مواد غذایی و رستوران ها... به رهگذران، برای خود ایجاد شغل نمایند.

موانع محدود کننده شهر

شهر اشکذر از سمت جنوب بدلیل انطباق مرز محدوده آن به محدوده شهر زارچ با محدودیت کامل مواجه می باشد و از سمت شرق بدلیل وجود جاده ترانزیتی تهران - بندر عباس بعنوان یک مانع جدی مطرح می باشد و امروز شهرک صنعتی اشکذر در آن سوی جاده مستقر شده است. از سایر جهات در معرض هجوم تپه های ماسه ای قرار دارد گرچه شهر در برخی جهات دیگر هم در معرض این پدیده قرار دارد. در درون شهر بخاطر وجود اراضی و باغات مستعد که هم از بعد اقتصادی هم بعد اکولوژیکی حائز اهمیت بوده با محدودیت روبروست.

جهات توسعه شهر در گذشته

توسعه شهر بدلیل ساختار روستائی آن عمدتاً حول محله های موجود و بصورت پراکنده بوده است. مجموعه محلات اشکذر عمدتاً به سمت غرب گرایش داشته و مجموعه محلات رضوانشهر در حاشیه محل و عمدتاً جهت بلوار صاحب الزمان تمایل پیدا کرده اند. محله فیروز آباد نیز در حاشیه محله توسعه مورد نیاز خود را پیدا نموده اند. کاربریهای عمومی و اداری عمدتاً حول محور خیابان امام و بلوار صاحب الزمان ایجاد شده اند.

بررسی مرغوبیت زمین جهت توسعه آینده

نظر به موانع مطرح شده در مورد توسعه شهر اشکذر با توجه به ویژگی های طبیعی اراضی مورد نیاز جهت توسعه اتی شهر را می توان با ایجاد سیاست و تدابیر مناسب در مکانهای ذیل تامین نمود. در مورد بخش مسکونی در درجه اول از اراضی اماکن مخروبه و بازسازی و احیا اماکن متروکه و در وهله بعد استفاده از اراضی و فضاهای بایر درون محلات استفاده نمود. به منظور ایجاد انگیزه و حفظ باغات و اراضی مرغوب کشاورزی تدابیر و قوانین مناسب تدوین و اتخاذ گردد. در مورد سایر کاربریها عمومی مورد نیاز که میبایستی در درون محلات جانمایی گردند در درجه اول می بایستی از اراضی وقفی و دولتی که امکان تملک آنها آسان می باشد استفاده شود. جهت تامین اراضی مورد نیاز کاربریهای عمده با توجه به درخواست سازمانهای ذیربط مانند آموزش عالی ، نیروی مقاومت بسیج ، آموزش و پرورش و فنی حرفه ای می بایست از اراضی غرب و شمال حاشیه شهر بدلیل عدم وجود مشکل مالکیت تامین گردد.

کاربری اراضی

شهر اشکذر در یک محدوده تقریبی ۱۱۱۸ هکتار (۱۱۱۸۷۹۷۴) متر مربع بعنوان محدوده قانون پیشنهادی واقع گردیده است. در حال حاضر محدوده خدماتی شهر در قالب هشت محله شکل گرفته است. همچنین حدود ۱۳۶/۱ هکتار از سطح مصنوع شهر به فضاهای مسکونی و بقیه به سایر کاربریها طبق جدول صفحه بعد قرار گرفته است.



بررسی کیفیت زندگی از اهداف مهم دست اندرکاران بوده و با توجه به گستردگی این مفهوم مورد توجه بسیاری از رشته های علوم مختلف قرار گرفته است. از این رو، بهبود رفاه و آسایش به عنوان هدف توسعه، وابسته به شناخت هر چه بیشتر عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی انسان است. بر این اساس، شروع جدی این بحث به دهه ۱۹۶۰ باز می گردد. زمانی که مشخص شد رشد و توسعه اقتصادی لزوماً منجر به بهبود کیفیت زندگی مردم نمی شود. کیفیت زندگی به عنوان مفهومی برای نشان دادن میزان رضایت فرد از زندگی و به عبارتی معیاری برای تعیین رضایت و عدم رضایت افراد و گروه ها از ابعاد مختلف زندگی است. این ابعاد می تواند زمینه های تغذیه ای، آموزشی، بهداشت، امنیت و اوقات فراغت را شامل می شود، از طرفی، دیگر امروزه در ادبیات برنامه ریزی توسعه مباحث کیفیت زندگی به عنوان یک اصل اساسی پیوسته مورد نظر برنامه ریزان و مدیران امر توسعه است. ارتقاء برنامه ریزی شهری از نگاه صرف کالبدی-کارکردی به نگاهی چند بعدی و چند وجهی در قالب در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی، روانی، کیفی و اقتصادی در تعامل و کنش متقابل با ابعاد کالبدی-کارکردی، یکی از نتایج توجه به مفهوم کیفیت زندگی شهری در عرصه جهانی بوده است. به طور کلی می توان گفت که مفهوم «کیفیت محیط زندگی» و یا «کیفیت زندگی شهری» با هدف اصلاح و تکامل مفهوم توسعه از توسعه صرف کمی و اقتصادی به توسعه پایدار شهری مطرح و مورد توجه قرار گرفت. به هر جهت، کیفیت زندگی به عنوان یک اصطلاح کلی، مفهومی برای نشان دادن چگونگی برآورده شدن نیازهای انسانی و همچنین معیاری برای ادراک رضایت و عدم رضایت افراد و گروه ها از ابعاد مختلف زندگی است.

واژه های کلیدی: کیفیت زندگی، دیدگاه های کیفیت زندگی شهری، رویکردهای کیفیت زندگی،  
رویکردهای ارزیابی کیفیت زندگی شهری، شاخص های کیفیت زندگی، مدل های کیفیت  
زندگی، تکنیک های ارزیابی کیفیت زندگی

## مقدمه

امروزه یکی از شاخص های پیشرفت یک اجتماع، ارتقاء کیفیت زندگی است. کیفیت زندگی شهری، واژه ای پیچیده، چند بعدی و کیفی در رابطه با شرایط و وضعیت جمعیت، در یک مقیاس جغرافیایی خاص (شهر، منطقه، محله و...) است که هم متکی به شاخص های ذهنی یا کیفی و هم متکی به شاخص های عینی یا کمی است. مفهوم کیفیت زندگی شهری را می توان در یک برداشت جامع و کلی بدین گونه تعریف کرد: « کیفیت زندگی شهری در برگیرنده ی ابعادی روانی است که شاخص هایی همچون رضایت، شادمانی و امنیت را در بر می گیرد. در برخی موارد، رضایت اجتماعی نیز نامیده می شود. همچنین ابعادی محیطی که در برگیرنده ی سنجه هایی همچون مسکن، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی است. جنبه های دیگر در برگیرنده ی توجه به فرصتهای اجتماعی، امیدهای اشتغال، ثروت و اوقات فراغت است.» قبل از دهه ۱۹۷۰ در برنامه ریزی شهری بیشتر بر ابعاد کالبدی-کارکردی توجه می شده است و به اهداف و ارزشهای اجتماعی و کیفی توجهی نمی گردید. بعد از تحولاتی که در دیدگاهها، اهداف و روشهای برنامه ریزی صورت گرفت مفاهیم جدیدی از جمله توجه به مفهوم کیفیت زندگی وارد مباحث برنامه ریزی شهری گردید و برنامه ریزی شهری را به سمت تعیین شاخص ها و معیارهای جدیدی جهت بیان ارتقاء کیفیت زندگی شهری سوق داد.

کیفیت زندگی<sup>۱</sup> درجه ای از خوشبختی که فرد یا گروهی از مردم آن را حس می کنند. سازمان بهداشت جهانی (WHO) کیفیت زندگی را اینگونه تعریف کرده است: احساسات افراد از موقعیتشان در زندگی در بستر فرهنگ و چارچوب های ارزشی که آن انسان ها در آن زیست می کنند و همچنین کیفیت زندگی در رابطه با اهداف، انتظارات، استانداردها و دغدغه های افراد تعریف می شود (Aref, ۲۰۱۱: ۲۷).

---

<sup>۱</sup> - Quality of Life

## تعریف کیفیت

کیفیت واژه ای است که در تمام رشته های هنری علمی و صنعتی به شکل شهودی (درون ذهنی) درک و به طور مستمر در چارچوب گفتمان حوزه های مزبور به کار برده می شود. کیفیت مفهومی دو وجهی است. هنگامی که این واژه در مورد کیفیت های ملموس همچون: سختی، نرمی، سرعت و غیره به کار گرفته می شود، مفهومی روشن و قابل فهم دارد، لیکن زمانی که در مورد کیفیت های غیر ملموس نظیر: زیبایی، شکوه، تأثیرگذاری و غیره استفاده می شود به مفهومی فرار و چند وجهی مبدل می گردد. معنای لغوی واژه ی کیفیت در فرهنگ زبان فارسی چگونگی، چرایی، صفت و حالت شی عنوان گردیده است. واژه فارسی /کیفیت/ به لحاظ ریشه شناسی (Etymology) از واژه عربی «کیفیه» که اسم است، مشتق شده است. از نظر لغوی کیفیت (Quality) در زبان انگلیسی به ماهیت، نوع یا خصوصیت یک شی اشاره می کند. این واژه از لغت کیوآلیاتیس (Qualitas) به معنی از یک نوع و از واژه فرانسوی کالیت (Qualit) مشتق شده است. واژه کیفیت در زبان انگلیسی به معنای چیزی است که یک شخص، یک شی و یک فکر داشته، موجب منحصر و جالب شدن آنها می گردد (۱۳۹۳، [www.seppidar.ir](http://www.seppidar.ir)).

## تعریف کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مفهومی جدید و نوپا نیست، بلکه در فلسفه یونان نیز وجود داشته و ارسطو در مبحث شادی (که در آن زمان معادل کیفیت زندگی اکنون است) بدان اشاره کرده است (نیازی و دلال خراسانی، ۱۳۹۱: ۲۰۶). کیفیت زندگی، موضوع اصلی بسیاری از تحقیقات در رشته های گوناگون علمی بوده است، اما ارائه تعریفی جامع و جهانی برای این مفهوم هنوز هم به صورت یک مشکل باقی مانده است؛ زیرا بسیاری از محققان بر این باورند که کیفیت زندگی مفهومی چند وجهی، نسبی، متأثر از زمان و مکان و ارزش های

فردی و اجتماعی است، بنابراین ارائه تعریفی جامع و جهانی برای آن امکان پذیر نمی باشد (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۸).

به طور کلی می توان گفت که مفهوم کیفیت زندگی شهری و یا کیفیت محیط زندگی با هدف اصلاح و تکامل مفهوم توسعه از توسعه صرف کمی و اقتصادی به توسعه پایدار شهری مطرح و مورد توجه قرار گرفته است. در واقع این مفهوم پاسخی به توسعه صرف اقتصادی در مقیاس ملی و توسعه صرف کالبدی در مقیاس شهری بوده و به نوعی مؤید توجه به شاخص ها و معیارهای اجتماعی، کیفی و اقتصادی پایدار در عرصه برنامه ریزی شهری و در تقابل با شاخص های کالبدی-کارکردی است (محمودی نژاد و صادقی، ۱۳۸۸: ۸۸). کیفیت زندگی، به نوعی بیانگر وضعیت افراد ساکن در یک کشور یا منطقه می باشد (باسخا و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۶).

- سازمان بهداشت جهانی (WHO) کیفیت زندگی را یک ادراک شخصی از وضعیت زندگی شخصی می داند که در ارتباط با اهداف، انتظارات، استانداردها، نگرانی ها و دلبستگی های زندگی شان است که در شش دسته خلاصه می شوند: عوامل فیزیکی، فیزیولوژیکی، استقلال، روابط اجتماعی، محیط و معنویت (شامل اعتقادات مذهبی و شخصی) (Jirojankul, ۲۰۰۳: ۱۲۷۸).

- کیفیت زندگی ارتباط متقابل میان جامعه، سلامت، اقتصاد و شرایط محیطی است که انسان و توسعه ی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد (Schyns & Bolhouwer, ۲۰۰۴: ۵).

- انجمن توسعه ی اجتماعی اونتاریو در سال ۱۹۹۷ کیفیت زندگی را به عنوان نتیجه ی کنش متقابل شرایط محیطی، اقتصادی، سلامتی و اجتماعی که توسعه ی اجتماعی و انسانی را تحت تأثیر قرار می دهد، تعریف کرده است (گروسی و نقوی، ۱۳۸۷: ۶۴).

- کینگ (۱۹۹۸) بیان نموده که کیفیت زندگی مفهومی است که در طی زمان تغییر می یابد، و به شدت، از زمان و مکان تأثیر می پذیرد. مؤلفه ها و عوامل تشکیل دهنده آن با توجه به دوره زمانی و جغرافیایی متفاوت می باشد (صفری، ۱۳۹۲: ۵۶).

اصولاً کیفیت زندگی، واژه ای پیچیده، چند بعدی و کیفی در رابطه با شرایط و وضعیت جمعیت، در یک مقیاس جغرافیایی خاص (شهر، منطقه، محله، بخش و...) است که هم متکی به شاخص های ذهنی یا کیفی و هم متکی به شاخص های عینی یا کمی است. مفهوم کیفیت زندگی شهری را می توان در یک برداشت جامع و کلی به صورت زیر تعریف کرد:

کیفیت زندگی شهری در برگیرنده ابعادی روانی است که شاخص هایی همچون رضایت، شادمانی و امنیت را در بر می گیرد. در برخی موارد، رضایت اجتماعی نیز نامیده می شود. همچنین شامل ابعاد محیطی که در بر گیرنده سنجه هایی همچون مسکن، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی است. از جنبه های دیگر آن توجه به فرصت های اجتماعی، امیدهای اشتغال، ثروت و اوقات فراغت است (سیف الدینی، ۱۳۸۸: ۳۰۱). در واقع کیفیت زندگی به معنای "قابلیت زندگی" یک مکان مطرح می شود (رهنمایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۲۵). بطور کلی در یک جامعه شهری، کیفیت زندگی برگرفته از تجربه مشترک ساکنان شهر از محیط شهر و سطح توانایی شهر در پاسخ گویی به اهداف مورد نظر ساکنان شهر می باشد (خادمی، ۱۳۹۲: ۲). در مفهوم کیفیت زندگی چند مشخصه وجود دارد:

الف) تنها به زندگی انسان ارجاع دارد؛

ب) به ندرت در (صیغه) جمع به کار رفته (یعنی به صورت کیفیات زندگی) است؛

ج) به عنوان یک عبارت عام و غیر قابل تقسیم می باشد که معنایش می تواند ناب باشد؛

د) مشکل است که آن را به هر رده مجزا از علوم مرتبط با جامعه شناسی طبقه بندی نمود (Dissart, ۱۵۶: ۲۰۰۰).

کیفیت زندگی (موضوعی) چند رشته ای و چند شاخه است، از این رو مفهومی چند بعدی است (Ulengin ۳۴۲: ۲۰۰۱, & et al). هر عبارتی که در تعریف کیفیت زندگی به کار رود، کیفیت زندگی یک فرد به حقایق عینی و خارجی زندگی اش و دریافت ها و ادراکات درونی و ذهنی او از این عوامل و نیز از خودش وابسته است. این مسأله تقریباً توسط اکثر پژوهشگران مورد تصدیق قرار گرفته است. بنابراین تحقیق در مورد کیفیت زندگی می کوشد تا اثر مرکب این عوامل عینی و ذهنی را بر رفاه و سعادت بشری سنجش نماید (Evans, ۷۳: ۱۹۹۴).

ویژگی مفهوم کیفیت زندگی آن است که می تواند شامل تمام کیفیات (مفاهیم) جامعه شناختی شود یعنی گستره بزرگی از مفاهیم جامعه شناختی می واندند در چتر کیفیت زندگی قرار بگیرد. اما وجه مهم این مفهوم آن است که معمولاً برای بررسی عملکرد و نتایج سیاستها و برنامه ها مورد استفاده قرار می گیرد (لطفی و صابری، ۱۳۹۱: ۴۶).

## دیدگاه های مربوط به کیفیت زندگی شهری

محیط شهری در روند توسعه و تکمیل مفاهیم کیفیت محیط در نواحی سکونتی رویکردهای مختلفی ارائه شده است. از جمله می توان به دیدگاه سیاست گذاران، دیدگاه مخاطب محور، دیدگاه کارشناس محور، دیدگاه روان شناختی-ادراکی، دیدگاه نیمه تجربی اشاره کرد.

### ۱- دیدگاه سیاست گذاران

دیدگاه سیاست گذاران بر درک و تعریف کیفیت محیط شهری بر پایه دو رویکرد کارشناس محور و مخاطب محور قرار دارد.

### ۲- دیدگاه مخاطب محور

این رویکرد بر پایه سطوح متفاوت ادراک محیطی مخاطبین قرار دارد. از مخاطبین در خصوص عواملی که بر روابط متقابل شان اثر می گذارد، سوال می شود و متغیرهای کیفیت محیط استخراج می گردد. به عبارت دیگر در این رویکرد معیار کیفیت بر پایه درک مخاطبین عام از چگونگی فهم شان و انتظارشان از حوزه تعامل اجتماعی متقابل مبتنی است. در اینجا هدف گروه خاصی نمی باشد بلکه درک کلیت جامعه مهم است (Van poll, ۱۴: ۱۹۹۷).

### ۳- دیدگاه کارشناس محور

در این دیدگاه نظرات کارشناسان مبنای تمامی بررسی ها و تصمیمات مربوطه قرار می گیرد این دیدگاه از ابعاد مختلفی مورد نقد قرار می گیرد. معمولاً سه دلیل عمده جهت ناکارآمدی این روش مورد اشاره قرار می گیرد.

۱- هیچکدام از این مطالعات منجر به شناسایی لیست جامعی از عوامل تأثیرگذار در کیفیت محیط سکونتی نشده است.

۲- عدم اتفاق نظر متخصصان در تعداد، ماهیت ابعاد اساسی کیفیت محیط، گروه بندی این ابعاد و غیره با یکدیگر، به طوری که حتی یک کارشناس در زمان های متفاوت نظرات مختلفی را عنوان کرده است.

۳- ثابت شده است که در کل کارشناسان و مردم بر روی عوامل تعیین کننده کیفیت محیط توافق لازم را ندارند. این عامل به عنوان مهمترین عامل مطرح شده است (Crap & et al, ۱۹۷۶: ۲۴۳). این در حالی است که نتایج به دست آمده حاکی از آن است که مؤلفه های سنجش کیفیت بر اساس رویکرد کارشناس محور با سنجش های حاصله از منظر غیرکارشناسان (ساکنان) شباهت کمی باهم دارند (Van poll, ۱۹۹۷: XV).

لنس و مارانس در سال ۱۹۶۹ دریافتند که ارزیابی های برنامه ریزان بر روی ویژگی های واحد همسایگی پاسخگوی ارزیابی های ساکنان از واحد همسایگی نبوده و نتیجه گرفتند که برنامه ریزان و مشتریان در مفاهیم یکسان از کیفیت محیط سهیم نبوده اند. همچنین در سال ۱۹۷۲ با مطالعه خانوارهای نواحی کم درآمد تلاش کردند تا متغیرهای تعیین کننده رضایتمندی را مشخص کنند. این محققان ۲۰ متغیر تأثیرگذار در رضایتمندی ساکنین از واحد همسایگی را فهرست کردند. نتایج بررسی نشان داد که تنها ۱۱ ویژگی اول توسط بیشتر از نیمی از مخاطبان ساکن به عنوان عوامل بسیار مهم تلقی شده اند (Crap & et al, ۱۹۷۶: ۲۴۴). از طرفی میزان تفاوت بین ادراکات ساکنان و کارشناسان از کیفیت محیط مهم تلقی می گردد، زیرا ممکن تأثیر گذار (Eyles, ۱۹۹۰: ۱۴۴). بررسی مطالعات انجام شده در ماهیت کیفیت محیط در نواحی مسکونی بیانگر این بوده است که بسیاری از مطالعات در این قسمت به سمت تحلیل مفهوم همه جانبه کیفیت محیط شهری هدایت نشده، بلکه بیشتر به سمت فهم یک جنبه انتخابی از آن هدایت شده است. در بیشتر مطالعات از نظرات کارشناسان استفاده شده است، در حالی که بررسی های اخیر نشان داده که نظرات کارشناسان با نظرات ساکنان مطابقت نداشته است (Crap & et al, ۱۹۷۶: ۲۴۶).

نتایج حاصل از ارزیابی اهداف عملیاتی سیاست های اتخاذ شده، نشان می دهد که کیفیت محیط های محلی تنها توسط عوامل فیزیکی تعیین نمی شوند بلکه در کار ویژگی های فیزیکی، ویژگی های روان شناسی اجتماعی و ویژگی های محیط ساخته شده نیز از ویژگی های مهمی می باشند که در بررسی کیفیت محیط باید بررسی شوند. کیفیت محیط های مسکونی شهری یک مفهوم سلسله مراتبی ویژگی چندگانه است؛ بدین معنی که کیفیت محیط توسط چندین ویژگی اساسی توصیف می شوند (Van poll, ۱۹۹۷: ۱۵۱).

#### ۴- دیدگاه روان شناختی - ادارکی

از نقطه نظر این دیدگاه ارتباط بین شخص-محیط توسط هر دو دسته از ویژگی های شخص و محیط متأثر می شود. در این دیدگاه نحوه ارزیابی شخص از کیفیت محیط سکونتی اش بر اساس ارتباط بین شخص و محیط توصیف می شود. بدین ترتیب که در ارتباط بین شخص و محیط توسط ویژگی های شخصی (همچون سن، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، روش های مختلف سازگاری، خصیصه های روان شخصیتی و...) خصیصه های محیط همچون ارزش های موجود در محیط یا ظرفیت ارزشی آن، قابلیت سنجش پذیری و ویژگی های خاص محیط و همچنین در کنار دو عامل منجر به ارزش پذیری شخص از محیط پیرامونی اش می شود (Van poll, ۱۹۹۷: ۱۵).

## ۵- دیدگاه های نیمه تجربی

در مغایرت با رویکرد مبتنی بر قضاوت کارشناسان، رویکرد دیگری که به دنبال فهم مفاهیم و مؤلفه های کیفیت محیط و رضایت مندی بدون ارجاع به سیستم های از قبل متصور شده می باشد، قرار می گیرد. این رویکرد بر ادراکات ساکنان از کیفیت سکونتی و فرآیندهای تجربی در جهت جمع آوری آیتم ها یا دسته بندی آن ها به سمت ابعاد کلی تر و معیارها، متمرکز می شود اما هر دو کار را با هم انجام نمی دهد. بنابراین می توان آن ها را به عنوان مدلی نیمه تجربی دانست (Crap & et al, ۱۹۷۶: ۲۴۴). از جمله مطالعات کراپ در سال ۱۹۶۶ که تلاش کرد تا کیفیت های محیطی را از ساکنان بدون ارجاع به یک سیستم از پیش طراحی استخراج کند؛ کراپ از مخاطبان مسن پرسید که در محیط سکونتی جدیدشان چه چیزی را دوست دارند و فکر می کنند که چه چیزهایی باید در امکانات و تجهیزات آینده برای مردم مسن اجتناب ناپذیر باشد؟ همچنین مطالعات زینر در سال ۱۹۷۰ رضایت مندی اهالی و واحد همسایگی را در محلات طراحی شده و طراحی نشده مطالعه کرد. در واقع می توان گفت زینر به دنبال معیارهای سازنده رضایت مندی از ساکنین بوده که بر این اساس طرح سؤالاتی همچون وقتی که شما به دنبال یک مکان برای زندگی کردن می گردید، چه چیزهایی به صورت خاص شما را به آمدن به این مکان جذب می کند؟ این هدف را دنبال کرده است. بنابراین می توان گفت، ضعف اصلی مطالعات این چینی در این بود که اگرچه معیارها توسط ساکنان عنوان می شد، اما پاسخ ها با توجه به نظرات کارشناسان طبقه بندی می شد. بنابراین در نتیجه گیری ها نظرات کارشناسان وارد شده که ممکن است بازتاب نظرات ساکنان نباشد. همچنین عمده این مطالعات نه به صورت عام بلکه بر روی اقشار و یا محیط خاص متمرکز می شدند که نتیجه قابل تعمیم به عموم نبود (همان، ۲۴۵).

## رویکردهای نظری کیفیت زندگی

هر عبارتی که برای تعریف کیفیت زندگی شهری به کار رود، کیفیت زندگی یک فرد به حقایق عینی و خارجی زندگی اش و دریافت ها و ادراکات درونی و ذهنی او از این عوامل از خودش وابسته است. این اولین مقوله دو قسمتی تصدیق شده به وسیله اکثر پژوهشگران است. بنابراین، تحقیق در مورد کیفیت زندگی شهری می کوشد تا اثر مرکب این عوامل عینی و ذهنی را بر رفاه و سعادت شهروندان سنجش نماید. بنابراین برنامه ریزی برای ارتقای کیفیت زندگی شهری هم با ارقام و آمارهای عینی و واقعی زندگی شهروندان و هم با درک روانی و ذهنی افراد از موقعیت زندگی آن ها در ارتباط است (Schynus &

۸: Boelhouwer, ۲۰۰۴). کیفیت زندگی به عنوان پدیده ای میان رشته ای به بسیاری از رشته های علمی و تخصصی امروز مربوط می شود و هدف همه رشته های علمی مهم دنیا به شکلی در پژوهش خود رسیدن به شرایط مناسب و مطلوبی (مستقیم و غیر مستقیم) می باشد. در این مسیر پژوهشگران، راه های بسیاری را طی کرده و مدل ها و الگوهای مناسبی را در رهیافت علمی خود دریافتند و با گسترش دانش و تخصصی شدن و آسان ساختن مسایل پیچیده دنیا، هر یک از رشته های تخصصی راه و نگاه هایشان نیز به کیفیت زندگی دگرگون گردید و دیدگاه های متفاوتی برای کیفیت زندگی به وجود آمد. در این اینجا رویکردهای مربوط به کیفیت زندگی را تشریح خواهیم ساخت.

## ۱- رویکرد برنامه ریزی شهری

همزمان با تقویت رویکردهای اجتماعی در طرح های برنامه ریزی شهری، به جایگاه شهروندان و مسائل مربوط به کیفیت زندگی آنان بیش از پیش توجه شد. اهم رویکردها در این زمینه عبارت اند از: برنامه ریزی حمایتی که در ۱۹۶۵ توسط پل دیویداف (Paul Davidoff) در امریکا و در جهت مبارزه با تبعیض نژادی و حمایت از فقرا و محرومان شکل گرفت و البته ارتباط نزدیکی با برنامه ریزی عدالت خواه داشت؛ برنامه ریزی فرایندی در دهه ی ۱۹۷۰، برنامه ریزی مشارکتی و دموکراتیک که با تأکید بر کثرت گرایی، جامعه ی مدنی، نهادهای اجتماعات محلی و سازمان های غیرحکومتی تدوین شد، برنامه ریزی گام به گام که توسط چارلز لیند بلوم مطرح شد و همچنین برنامه ریزی پاسخگو که شین مک کونل در ۱۹۸۱ با تأکید بر پاسخگویی به مدیران به نیازهای مردمی در حین اجرای برنامه ها اشاره دارد (علی اکبری و امینی، ۱۳۸۹: ۱۲۸-۱۲۷). از این رو چشم انداز برنامه ریزی برای شهر در هر مقطعی باید به سوی کیفیت زندگی مطلوب جهت گیری کند (رهنمایی و پور موسوی، ۱۳۸۵: ۱۸۰) و علاوه بر توجه به اهداف کالبدی و کارکردی، باید به نیازهای کیفی و روانی مردم در محیط زندگی شهری مانند هویت اجتماعی، امنیت و رفاه اجتماعی، اشتغال پایدار، آسایش روانی، احساس زیبایی، همبستگی و تعلق اجتماعی و غیره، نیز پاسخ گوید (سعیدی رضوانی و حاجی نوروزی، ۱۳۹۲: ۵).

بکارگیری مفهوم کیفیت زندگی شهری در عرصه برنامه ریزی، در واقع واکنشی است علیه توسعه یک بعدی اقتصادی در سطح ملی و توسعه صرفاً فیزیکی-کالبدی در مقیاس شهری و همچنین تلاشی است در جهت دستیابی به معیارهای جامع تر و چند بعدی در عرصه برنامه ریزی. بر این اساس، منظور از کیفیت زندگی شهری در نظر گرفتن شاخص های اجتماعی، اقتصادی در عین توجه به شاخص های کالبدی و کارکردی است. رویکرد نوین برنامه ریزی شهری با توجه به مفهوم کیفیت زندگی و به تبع آن در نظر گرفتن شاخص های اجتماعی-اقتصادی در روند و فرآیند برنامه ریزی، پس از تلاشهای اولیه کشورهای مختلف جهان به خصوص انگلستان و ایالات متحده آمریکا، با حمایت سازمان ملل متحد به تدریج در نظام برنامه ریزی ملی و شهری سایر کشورهای جهان جای خود را کم و بیش باز کرده است، به طوری که در دو دهه اخیر، مفهوم و کاربرد شاخصهای اجتماعی، اقتصادی و روانی به طور روزافزونی وسعت و عمق پیدا کرده و برنامه ریزان و مدیران شهری را به جستجوی معیارها و روشهای جدید برای ارتقای کیفیت زندگی شهری سوق داده است. بر پایه این نگرش هدف اصلی از برنامه ریزی و طراحی شهری دستیابی به تأمین کیفیت مسکن شهروندان،



کیفیت حمل و نقل (همگانی)، کیفیت فضاهای اجتماعی، مدنی و... و در نهایت کیفیت محیط زندگی شهری است (شهری، ۱۳۹۰: ۱۹).

## ۲- رویکرد جغرافیایی

جغرافی دانان همواره در پی بهینه کردن رابطه ی متقابل انسان و محیط در جهت مطلوبیت بخشی به زندگی انسان بوده اند. رونالد جانستون جغرافی دان سرشناس می گوید: در زمان ما هدف بسیاری از جغرافی دانان این است که در سراسر جهان با حذف نابرابری های شدید اجتماعی و اقتصادی، همه ی خانواده ها بتوانند به شغل دائمی، مسکن سالم، بهداشت و درمان و امنیت و به طور کل به حدی رضایت بخش از کیفیت زندگی دست یابند (حاجی نژاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۰). در سالهای پایانی دهه ۱۹۶۰ میلادی بحث های مهمی در جغرافیای رادیکال مطرح شد که محور آن شناسایی فرایندهای موجود در ورای جلوه های فضایی نابرابری یا توسعه ی ناموزون بوده است. در این دیدگاه نابرابری را باید ویژگی ذاتی هرگونه تصویری از کیفیت زندگی دانست (ذکایی و روشنفکر، ۱۳۸۴: ۶). دیوید اسمیت از نخستین جغرافی دانانی بود که درباره کیفیت زندگی، رفاه و عدالت اجتماعی در جغرافیا بحث کرد و برای بررسی کیفیت زندگی، رفاه و عدالت اجتماعی از شاخص های اجتماعی ذهنی و مقایسه ی عینی استفاده می کند که برای سنجش مورد نخست از پرسش نامه و برای مورد دوم از مشاهده و آمار استفاده می گردد. شاخص های مورد تأکید او را بهداشت، مسکن، خدمات عمومی، تعلیم و تربیت، فرصت های اشتغال، حقوق و مزد، خوراک، حق رأی، امید به زندگی، مصرف سرانه ی پروتئینی حیوانی، درصد ثبت نام در مدارس، تعداد متوسط تلفن و روزنامه و نظایر آن تشکیل می دهند (اسمیت، ۱۳۸۱: ۱۶۹-۱۶۰). همواره هدف غایی مطالعات جغرافیایی ارتقاء کیفیت زندگی است. در تعاریف بسیاری از علم جغرافیا از زمان های بسیار دور (شاید از زمان اراتوستن) تاکنون به رابطه متقابل انسان و محیط تأکید شده است. جغرافی دانان همواره در پی بهینه کردن این رابطه در جهت مطلوبیت بخشی به زندگی انسان بوده اند. در این راستا همواره جوانب مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، محیطی و ... که به نوعی با تعریف جغرافیا به عنوان رابطه متقابل انسان و محیط همخوانی و همراهی داشته و در زندگی انسان اثرگذار بوده است را مورد مطالعه قرار داده اند. دیوید اسمیت از جغرافیدان مشهور در کتاب ارزشمند خود با عنوان (جغرافیا و عدالت اجتماعی) بیان می کند که جغرافیا بدون عدالت اجتماعی فاقد آن قدرت و توانایی خواهد بود که بتواند در مطلوبیت بخشی به زندگی انسان توفیق یابد (شکویی، ۱۳۷۸: ۱۴۲). رونالد جانسون از دیگر جغرافی دان شهری می گوید: در زمان ما هدف بسیاری از جغرافی دانان این است که در سراسر جهان با حذف نابرابری های شدید اجتماعی و اقتصادی همه خانواده ها بتوانند به شغل دائمی، مسکن سالم، بهداشت، درمان، آموزش و امنیت (همان منبع: ۱۵۶) و بطور کلی به یک حد رضایت بخشی از زندگی دست یابد. جانسون در واقع پا را فراتر از مرحله شناسایی و درک وضعیت کیفیت زندگی انسان ها گذاشته و به دنبال دستیابی به علت ها و عوامل دخیل در کیفیت زندگی می گردد تا با دخالت در آنها بتوان وضعیت را تغییر داد. در واقع می توان چنین عنوان کرد که در هر مطالعه جغرافیایی اساس کار بررسی کیفیت زندگی مردم می باشد (همان منبع: ۱۱۰). در علم جغرافیا،

کیفیت زندگی شامل مفهوم رفاه فردی است، اما تمرکز بیشتر در مکان های زندگی افراد است (Apparicio & et al, ۲۰۰۸: ۳۵۷). می توان گفت جغرافیا یکی از رشته های مهمی است که از کهن تا کنون به پیچیدگی روابط انسان و محیط می پردازد و تلاش در ساده کردن و بهینه ساختن پیوستگی بین انسان و محیط است. بنابراین جغرافیا رشته علمی است که هم به شاخص های عینی و هم به شاخص های ذهنی کیفیت زندگی می پردازد.

با توجه به بررسی های هر کدام از رشته های علمی و شاخص مورد پژوهش، به نوعی به کیفیت زندگی فردی و اجتماعی مربوط می شود که هدف نهایی آنها بالا بردن سطح کیفیت زندگی می باشد؛ چون فلسفه سلامت روح و سعادت معنوی بشر را بررسی می نماید و رویکرد اجتماعی که بیشترین مباحث کیفیت زندگی را به خود اختصاص داده اند؛ مانند امنیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، توانی های مالی و روابط اجتماعی. همچنین از دیدگاه بوم شناسان نیز توزیع فعالیت های اجتماعی در فضا و زمان بررسی می گردد که این رویکرد بیشتر به علم جغرافیا نزدیک می باشد، چرا که جغرافیا به روابط متقابل انسان و محیط در چهارچوب زمان، فضا و مکان به چالش های محیطی و فضایی می پردازد و به تمام ابعاد زندگی توجه نشان می دهد.

### ۳- رویکرد فلسفی

ریشه تفکر مدرن در مورد سعادت بشر و رابطه آن با چگونگی زندگی اش را، جز تا زمان پیدایش خط نمی توان با قاطعیت دنبال کرد. از نظر تاریخی تامل در مورد عوامل تشکیل دهنده سلامت و سعادت بشر بیشتر در کارهای فیلسوفان و عالمان دینی مشاهده می گردد (Oliver & et al, ۲۰۰۵: ۱۲). نگاهی به تاریخ فلسفه نشان می دهد بهزیستی احساسی، که معرف زندگی خوب است، همواره از جانب متفکران سرشناسی چون اپیکور، هابز، استوارت میل، آکویناس و بنتهام مورد تاکید قرار داشته است علاقه مندی به بررسی عوامل موثر برخشنودی و رفاه انسان پیشینه ای طولانی در تاریخ زندگی بشر دارد. در واقع اینکه چگونه باید و می توان زیست که بهترین منفعت را از زندگی کسب کرد، شاید به قدمت قابلیت آدمی برای اندیشه درمورد آینده و عبرت گرفتن از گذشته باشد (بهمنی، ۱۳۸۰: ۳۶). در بیشتر تمدن های جهان دو دیدگاه اصلی نسبت به سعادت بشری قابل مشاهده است. در یک دیدگاه، تاکید بر توجه به پرورش صفات نیک و ویژگی های برجسته اخلاقی معطوف است و در دیگری تاکید بر کسب حداکثر لذت ممکن و اجتناب از هرگونه درد مورد توجه است. ارسطو و اپیکور سعادت بشری را در کسب بیشتر فضیلت از راه رعایت اصول اخلاقی و التزام های حفظ سلامت جسمانی حتی به قیمت صرف نظر کردن از لذت، میسر می دانست. در حالی که اپیکور معتقد بود که کسب بیشتر لذت و دوری از هرگونه رنج، راز رسیدن به سعادت بشری است. اگرچه بسیاری از پژوهشگران بر این باور هستند که فضای کنونی حاکم بر فلسفه غرب متأثر از جریان فکری دوم است. اما مایه هایی از هر دو تفکر را می توان در تلاش های رایج برای مفهوم سازی و قابل اندازه گیری

کردن چگونگی زندگی افراد مشاهده کرد. جان راولز فیلسوف علم اخلاق در زمینه عدالت (مؤلفه کیفیت زندگی) می گوید: عدالت اساس اولیه نهادهای اجتماعی است. می توان منافع جامعه را به نحوی تخصیص داد که حداقل وضعیت سلامتی قابل قبول جامعه برای نیازمندان تضمین شود (Rawls, 1971: 941-973). با توجه به منابع محدود باید حداقل خدمات را به افراد جامعه ارائه داد. می توان پیوستگی این رویکرد را با کیفیت زندگی چنین بیان کرد: عدالت اجتماعی، سلامتی روح و روان، سعادت و رضایت از زندگی و ...

## ۴- رویکرد اجتماعی

رویکرد جدیدی نسبت به روش زندگی که به عنوان نمونه توسط بوردیو (1982) در فرانسه و یا لوتک (1989) در آلمان ارائه شد، به سنت قدیمی جامعه شناختی جورج زیمل و ماکس وبر، بر می گردند. در پژوهش مفصلی که توسط کمیته بحران جمعیت در یکصد شهر بزرگ جهان با این عنوان انجام شده است، تأکید اصلی بر شاخصهای اجتماعی سنجش سطح زندگی در شهرهای بزرگ جهان، زندگی و امنیت و بعدها تازه آن بوده است. شاخصهای کمیته در این بررسی عبارت بوده است از: امنیت عمومی، هزینه های خوراکی، فضای مسکونی، ارتباطات، آموزش عمومی، بهداشت همگانی، آرامش، عمومی، حمل و نقل شهری و هوای مساعد (آسایش، 1380: 1). رویکرد اجتماعی در سال 1997 در بیانیه آمستردام از سوی 74 نفر از متخصصین حوزه های سیاست گذاری اجتماعی، جامعه شناسی، علوم سیاسی حقوق و اقتصاد مطرح گردید و به سرعت توسعه یافت (176: Philips, 2006). امروزه شاید به لحاظ تئوریک و عملیاتی مهمترین عنصر کیفیت زندگی اجتماعی باشد. این رویکرد را می توان به عنوان یک بازنگری انسانی در مطلوبیت گرایی و ارزیابی کیفیت زندگی بر اساس درآمد و ثروت به شمار آورد که درون مایه اصلی آن امکانات و توانایی های مالی و روابط اجتماعی است در این چارچوب کیفیت زندگی عبارت است از دامنه ای که شهروندان قادر به مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی جامعه شان، تحت شرایطی هستند که بهزیستی و توانایی بالقوه آنها بهبود می یابد. کیفیت اجتماعی که از سوی شهروندان تجربه می شود مبتنی بر شرایط زیر است: (فیتز پتریک، 1385: 46).

الف: تأمین اجتماعی - اقتصادی: دامنه ای است که در آن افراد از منابع کافی بر خوردارند که این امر به دستاوردهای اقدامات حمایتی جامعه، نظام ها و مؤسسات اجتماعی به عنوان زمینه ای برای اجرای فرایند خود-تحقیقی افراد بستگی دارد.

ب: ادغام اجتماعی: دامنه ای است که افراد می توانند به نهادها و روابط اجتماعی دسترسی داشته باشند. ادغام اجتماعی با اصول برابری و انصاف و علل ساختاری آنها ارتباط دارد و دغدغه اصلی آن در واقع عنصر شهروندی است که در حوزه های حقوق شهروندی، بازار کار، خدمات خصوصی و عمومی و شبکه های اجتماعی مشارکت داوطلبانه دارد.

پ: همبستگی اجتماعی: نیز ویژگی ایست مبتنی بر هویت ها، ارزش ها و هنجارهای مشترک که از یک سو با انسجام به عنوان پایه ای برای هویت های جمعی ارتباط دارد و از سوی دیگر با فرایندی که شبکه های اجتماعی و زیر ساخت های اجتماعی این شبکه ها را ایجاد و پشتیبانی می کند، در ارتباط است. همبستگی

اجتماعی حوزه هایی همچون اعتماد، ارزش ها و هنجارهای همگانی، شبکه های اجتماعی و هویت را در بر می گیرد.

ت: توانمندی اجتماعی: به عنوان عامل چهارم محدوده ای است که در آن قابلیت های شخصی افراد توانایی فعالیت آنها از طریق روابط اجتماعی ارتقاء می یابد. توانمندی اجتماعی در واقع عبارت است از تحقق فعالیت ها و شایستگی های انسان در خصوص مشارکت کامل در فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی. تاکنون سه نوع توانمندی شناسایی شده است:

۱- توانمندسازی شخصی: شامل دانش مهارت و تجربه هایی که منجر به عزت نفس و خود شکوفایی فرد می گردد.

۲- توانمند سازی اجتماعی: که روابط شخصی، واسطه ای و رسمی را در بر می گیرد.

۳- توانمندسازی سیاسی: که دستیابی به فرآیند های تصمیم گیری و اطلاعات و منابع مربوط می شود. رویکرد کیفیت اجتماعی نسبت به سایر رویکردها واقع بینانه تر است و حتی اگر ساختار آن را هم نادیده بگیریم کنار هم آمدن امنیت اجتماعی- اقتصادی ادغام اجتماعی، همبستگی اجتماعی و توانمندسازی به عنوان مراحل در توانمند ساختن شهروندان برای مشارکت، تحت شرایطی که منجر به ارتقاء سطح رفاه و توانایی آنها می شود نوعی اعتماد در رابطه با فهم عمومی از کیفیت زندگی را هم برای افراد و هم برای جوامع به همراه خواهد داشت (philips, ۲۰۰۶: ۱۸۴).

## ۵- رویکرد اقتصادی

کمپل و دیگران (۱۹۷۶) مقایسه ای را در مورد شرایط زندگی مردم قبل و بعد از جنگ جهانی دوم ارائه کردند. با در نظر گرفتن دشواری های قبل و حین جنگ جهانی دوم و سال های پس از آن شاهد افزایش چشم گیر در میانگین استاندارد زندگی مردم بود. با این وجود در همان زمان مردم آمریکا شاهد کاهش امنیت فردی، قوام خانوادگی و افزایش سوء مصرف مواد، قتل و بی ثباتی سیاسی بودند. که اتکاء محض به اندازه گیری های پولی- اقتصادی به تنهایی نمی تواند بازگو کننده مناسب سطح کیفیت زندگی و یا سطح رضایتمندی مردم باشد. آگاهی از نبود یک رابطه کامل مستقیم بین شاخص های اقتصادی و میزان رضایتمندی از زندگی، پژوهشگران را برای جستجوی سایر اندازه های غیر پولی که بتوانند برآورده کننده بهتر میزان رضایتمندی عمومی جمعیت باشد، تشویق نمود (Campbell & et al, ۱۹۷۶: ۴۹). در میان نظریه پردازان این رشته لیو (۱۹۷۶) فردی است که تلاش کرده است مفهوم زندگی را در چارچوب کلی نظریه تولید وارد تحلیل های اقتصاد خرد کند تلاش های دیگری که به تفصیل درحوزه نظریه های اقتصادی بر کیفیت زندگی صورت گرفته است مربوط می شود، کارجاستر و همکارانش (۱۹۸۱) که به دنبال پل زدن میان شکاف در شیوه تفکر اقتصاد دانان درباره احساس بهزیستی مادی و شیوه تفکر دیگر عالمان اجتماعی نسبت به این امر بوده اند (schuessler & Fisher, ۱۹۸۵: ۴۹-۱۲۹).

## ۶- رویکرد بوم‌شناسی

واژه بوم از ریشه لاتین (oikos) به معنی خانه یا محل زندگی گرفته شده است. بوم‌شناسی نیز به معنای مطالعه موجود زنده در محل زندگی یا محیط اطرافش. در واقع علم بوم‌شناسی امروزی پیشرفت خود را مدیون تلاش‌های طبیعت‌دانان سده ۱۸ و ۱۹ می‌داند و گیاهان و جانوران دنیا را به گروه‌های اصلی چون اجتماعات زیستی و ... که بر حسب شرایط اقلیمی محل زندگی شان به وجود آمده‌اند، نامیده‌اند و ویژگی‌هایی چون رقابت، کنام (رقابت مسالمت‌آمیز)، توالی، تجمع، تحرکات و قلمروگرایی (فضای داخلی و...) و... را داراست. بوم‌شناسان بر این باور هستند که نوسانات یک جمعیت بیش از اینکه تحت تاثیر عوامل داخلی جمعیت باشد، تحت تاثیر عوامل موثر در کل بوم سازندگان قرار دارند. تغییرات تراکم گونه‌ها با ایجاد تغییر در زنجیره‌های غذایی همراه بوده و نهایتاً در گردش مواد غذایی موثر است. شولتز (۱۹۶۹) فرضیه نوسان جمعیت، تحت اثر تغییرات مواد غذایی در توندرا ارایه داد (امبرین، ۱۳۷۷: ۲۱۹-۲۳۳). جامعه‌شناسی آمریکایی در سال‌های پایانی سده ۱۹ در دانشگاه شیکاگو در حال شکل گرفتن بود. در واقع گشایش این دانشگاه در سال ۱۸۹۲ با کمک‌های قابل توجهی از جانب خانواده راکفلر انجام گرفت. این زمانی مناسب برای توسعه جامعه‌شناسی به عنوان یک رشته مستقل بود. برخلاف دانشگاه‌های شرق آمریکا که تابع سنت‌های خاصی بودند این دانشگاه جدید می‌توانست بخش‌های گوناگونی از جمله جامعه‌شناسی را بدون هیچ مانعی از نظر بودجه و یا قوانین تاسیس کند. جامعه‌شناسی در دانشگاه شیکاگو با تأکید بر بوم‌شناسی شکل گرفت. بوم‌شناسی هم به طور کلی بر نحوه توزیع فعالیت‌های اجتماعی (کیفیت زندگی) در فضا و زمان تأکید دارد. با استفاده از دیدگاه بوم‌شناسان دو موضوع توزیع فعالیتها در فضا و زمان و نحوه توزیع که چگونه بر تجربه اجتماعی افرادی که در معرض آن قرار دارند تأثیر می‌گذارد، دارای اهمیت می‌باشد. پارک به عنوان پایه‌گذار مکتب بوم‌شناسی کوشش کرد تا تشبیهی میان محیط طبیعی و محیط اجتماعی برقرار سازد. مفاهیم اصلی بوم‌شناسان: همزیستی، رقابت، تعادل طبیعی، انطباق با محیط زیست و... می‌باشد. پارسنز از بوم‌شناسان دیگر در زمینه محیط اجتماعی بیان می‌دارد که کنش‌های اجتماعی در محیط شکل می‌گیرد. نخستین محیط، محیط فیزیکی است. محیط فیزیکی واقعیت عینی و برون‌ذهنی است که انسان‌ها از طریق آن با محیط فیزیکی در ارتباط هستند (۴۳۱: Parsons, ۱۹۵۱). مکتب تضاد کیفیت زندگی را حاصل ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه طبقاتی می‌داند. این مکتب بر خلاف کارکردگراها که اساس جامعه را بر توافق و تعادل می‌بیند، جامعه را به عنوان عرصه تضادها و مبارزات دانسته است و اصل رقابت و تضاد می‌باشد. هرچند مکتب تضاد به روشنی به کیفیت زندگی نمی‌پردازد اما کیفیت زندگی را معلول ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع طبقاتی می‌داند. جامعه بالا دست و فرودست در معرض ستیز طبقاتی و نارضایتی و بروز نوع خاصی از کیفیت زندگی قرار می‌دهد (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۱۱۲). از نظر کالمن وقتی می‌توان گفت که یک کیفیت عالی برای زندگی وجود دارد که امیدهای فرد با تجارب او تطابق داشته باشد و حالت عکس هم وجود دارد کیفیت پایین زندگی وقتی است که امیدها با تجارب همخوان نشود. با توجه به نظر کالمن می‌توان شیوه زندگی فرد را با مخالفت کردن با آرزوها بهبود بخشید و همچنین گاهی لازم است برخی آرزوها را حذف کنیم تا فاصله بین آنچه تجربه شده و آنچه انتظار می‌رود، کم گردد. گودمن بر این باور است که دو عامل بر کیفیت زندگی موثر است؛ عامل اول

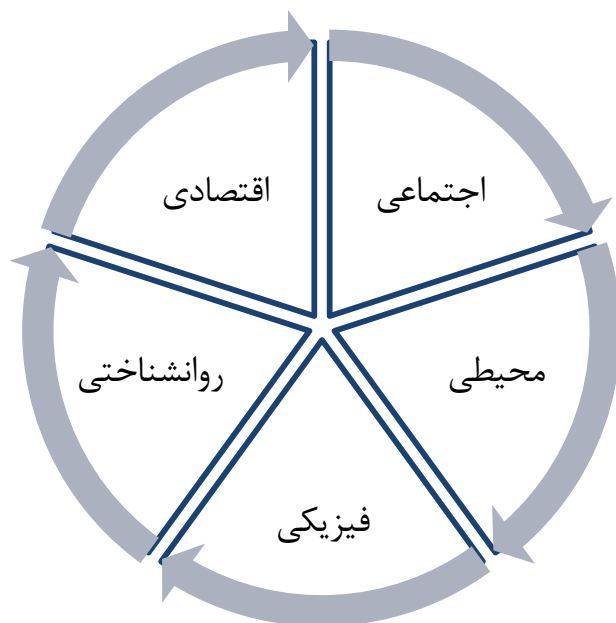
را ابزاری و عامل دوم را ارتباطی ذکر کرده است که انعکاس کننده کیفیت ارتباط بین فردی است. این دو عامل مشابه نیازهای مردم و دیدگاه مازلو یعنی نیاز به امنیت و نیاز به تعلق داشتن می باشد (مختاری و نظری، ۱۳۸۹: ۱۰۵-۱۲۲). بوم شناسی از این نظر به کیفیت زندگی مربوط می شود:

- ۱- هر دو به محیط بستگی دارند.
- ۲- امنیت اجتماعی و اقتصادی در هر دو تاثیر گذار و تاثیر پذیر است.
- ۳- اصل تنازع بقا و رقابت برهان مشترک آنهاست.
- ۴- توزیع فعالیتها در فضا و زمان و نحوه توزیع، بنیان اتصال آنهاست.

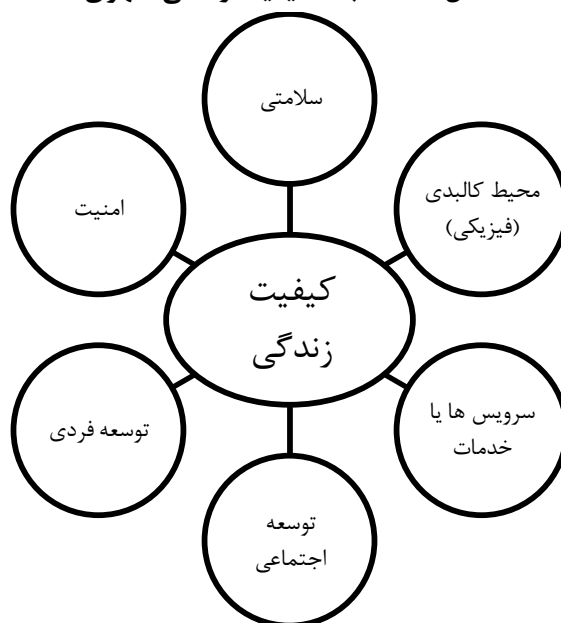
## ابعاد کیفیت زندگی شهری

طبق نظر شالوک، ابعاد کیفیت زندگی به مجموعه ای از عوامل ارجاع دارد که احساس بهزیستی شخصی را به وجود می آورند (Schalock, ۲۰۰۴: ۲۰۵). بر این اساس اکثر پژوهشگران در این زمینه معتقدند که ابعاد کیفیت زندگی شامل ابعاد فیزیکی، اجتماعی، روانشناختی، محیطی و اقتصادی است. در بعد فیزیکی، پرسش های مربوط به ابعاد جسمانی انسان، شامل قدرت، انرژی و توانایی انجام فعالیت های روزمره و خود مراقبتی و همچنین علائم بیماری مانند درد، مورد تفسیر و سنجش قرار می گیرند. در بعد اجتماعی، احساس بهتر بودن و کیفیت ارتباطات افراد با خانواده، دوستان، همکاران و اجتماع تبیین می شود. این در صورتی است که در بعد روان شناختی بیشتر نشانه های روانی شامل اضطراب، افسردگی، ترس و میزان محرومیت نسبی سنجیده می شود. در بعد محیطی، کیفیت محیط پیرامون زندگی بشر برای زیست مورد واکاوی قرار می گیرد؛ و در بعد اقتصادی مؤلفه هایی چون میزان رضایت از درآمد، نوع شغل و یا رضایت شغلی ارزیابی می شوند (دهداری، ۱۳۸۱: ۴۰).

شکل ۲-۲- ابعاد کیفیت زندگی



مأخذ: دهداری، ۱۳۸۱: ۴۰  
 شکل ۲-۳- ابعاد کیفیت زندگی شهری



مأخذ: رسولی و تیموری، ۱۳۸۹: ۵۰

## رویکردهای ارزیابی کیفیت زندگی شهری

کیفیت زندگی شهری دو رویکرد عمده دارد: رویکرد عینی و رویکرد ذهنی (Lee, ۲۰۰۸: ۱۲۰۶). این رویکردها اغلب به طور مجزا یا به ندرت در ترکیب با هم برای اندازه گیری کیفیت زندگی شهری به کار می روند. توجه به شاخص های کیفیت زندگی، نشان دهنده رابطه میان زندگی شهروندان و مفهوم کیفیت می باشد و از آنجاییکه بین شهروندان و دولت نیز رابطه ای دو سویه وجود دارد، می توان به وجود رابطه میان مفهوم کیفیت و دولت نیز پی برد. با کمی توجه به این شاخصها، به راحتی می توان دریافت که تأمین، ایجاد و رشد تمامی آنها در محدوده وظایف دولتها قرار می گیرد (دواری نژاد مقدم و مبهوت، ۱۳۸۹: ۸). علیرغم

تکثرگرایی مفهومی و عملیاتی، کیفیت زندگی عموماً، یک مفهوم چند بعدی است. اندازه‌گیری کیفیت زندگی ابعاد درآمد محور، ابعاد اجتماعی، سیاسی، نابرابری فقر، ابعاد مربوط به جنسیت را شامل می‌شود که هر بعد شاخص‌های متفاوتی را برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی را در برمی‌گیرد (Mc Gillivray, ۲۰۰۶: ۴۱). یکی از راه‌های عملیاتی نمودن مفهوم کیفیت زندگی، طراحی و تدوین شاخص‌های کیفیت زندگی است. در سه دهه گذشته تلاش‌ها زیادی برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی در مناطق مختلف دنیا صورت گرفته است. شاخص‌های گوناگونی برای سنجش کیفیت زندگی بوسیله محققان، آژانس‌های دولتی، رسانه‌های گروهی .. پیشنهاد شده است (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷: ۶).

شاخص‌های اندازه‌گیری کیفیت زندگی را می‌توان بر اساس سطوح تحلیل دسته‌بندی نمود. کیفیت زندگی در سطوح فردی، خانواده و جامعه قابل اندازه‌گیری و درک می‌باشند. در یک سطح معین تحلیل می‌توان کیفیت زندگی را بر حسب شاخص‌های عمقی و سطحی اندازه‌گیری و مفهوم‌سازی نمود. شاخص‌های اندازه‌گیری فردی کیفیت زندگی را می‌توان به دو بعد شاخص‌های ذهنی در مقابل شاخص‌های عینی و شاخص‌های عمقی در مقابل شاخص‌های سطحی طبقه‌بندی نمود (شکل ۴). به عبارت دیگر شاخص‌ها بر حسب چهار مقوله تقسیم‌بندی می‌شود: شاخص‌های عمقی ذهنی، شاخص‌های عمقی عینی، شاخص‌های سطحی ذهنی و شاخص‌های سطحی عینی (شکل ۵). شاخص‌های عمقی معیارهای عجیب و متفاوتی از ساختار در نزدیکترین حالت هستند و نمای ساختار را به صورت یک بعدی انعکاس می‌دهند. و به عبارتی بیشتر حاوی معیارهای یک‌گزینه‌ای هستند. مثلاً در کل آیا شما از زندگی که دارید: خیلی راضی، نسبتاً راضی، نه خیلی راضی یا کاملاً راضی هستید. این یک شاخص عمقی است چون معیار به خودی خود به منظور ارزیابی ساختار به روشی کلی طراحی شده است. این معیار ترکیبی از چند معیار نیست که هر یک به نوبه خود ابعاد ساختار را اندازه‌بگیرند در مقابل شاخص‌های سطحی نمایی را نشان می‌دهند که ساختار را به صورت چند بعدی نشان می‌دهد و بهترین راه ارزیابی ساختار از طریق ترکیبی از ابعاد تشکیل‌دهنده آن می‌باشد. با بکارگیری شاخص‌های سطحی ابعاد تشکیل‌دهنده ساختار را می‌توان عامل تعیین‌کننده آن ساختار انگاشت. مطابق با نظر آرگیل<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) کیفیت زندگی بوسیله شاخص‌های سطحی و ذهنی اندازه‌گیری می‌شود که از شادی، رضایت از زندگی و عدم بیماری و ناخوشی تشکیل شده است (Kyungmi, ۲۰۰۲: ۵۱).

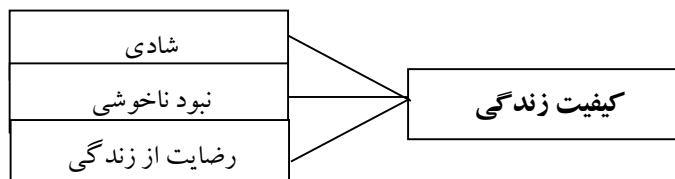
شکل ۲-۴ - شاخص‌های اندازه‌گیری فردی کیفیت زندگی

	عمقی و ذهنی	عمقی و عینی	عمقی
	سطحی و ذهنی	سطحی و عینی	سطحی
ذهنی		عینی	

۲- Argyle



شکل ۲-۵- شاخصهای سطحی کیفیت زندگی



Source: Kim, ۲۰۰۲: ۵۱

بطور کلی شاخص های که برای اندازه گیری و سنجش کیفیت زندگی (در هر سطحی) به کار می روند به دو دسته شاخص های عینی و ذهنی قابل دسته بندی هستند (Andrews & Bassett Whitey, ۱۹۷۶: ۱۴۶). عینیت به چیزی اشاره دارد که تحت تأثیر احساسات یا پیش داوری شخصی قرار نگیرد. زمان بررسی و نمایش واقعیت ها، عینیت به اجتناب نمودن از اثر دیدگاه ها یا ایده های شخصی مرتبط می شود. برخی از ابعاد عینی کیفیت زندگی عبارتند از رفاه اقتصادی، رفاه مصرف کننده، رفاه اجتماعی و رفاه بهداشتی. شاخص های عینی برای چنین ابعادی شامل معیارهای اشتغال، سرانه، میانگین نرخ تورم سالانه، بدهی عمومی، سطح سواد، آموزش، نرخ جنایات، امید به زندگی، دسترسی به مراقبت های پزشکی، مرگ و میر نوزادان، مسکن تسهیلات فراغت و آلودگی است (Blyth, ۱۹۷۲: ۲۰). شاخص های عینی معیارهای سختی هستند که فاقد ارزیابی های ذهنی مانند زندگی استاندارد، وضعیت سلامت فیزیکی می باشند. قدرت شاخص های عینی آنست که این شاخص ها را معمولا می توان نسبتا آسان تعریف نمود و بدون تکیه زیاد بر ادراکات فردی از لحاظ کمی اندازه گیری نمود. با این وجود بزرگترین محدودیت شاخص های عینی اینست که آنها ممکن است به صورت دقیق تجربه افراد از رفاه را انعکاس ندهند (Kyungmi, ۲۰۰۲: ۵۱).

ذهنیت مرتبط با مفاهیم یا معیارهایی است که بر احساسات یا ایده های شخصی تأکید دارد (Blyth, ۱۹۷۲: ۲۰). رفاه ذهنی به ارزیابی های چند بعدی زندگی مردم من جمله قضاوت های شناختی از رضایت زندگی و همچنین ارزیابی های عاطفی از روحيات و عواطف اشاره دارد (Eid & Diener, ۲۰۰۴: ۲۴۸). شاخص های ذهنی بیشتر بر مبنای واکنشهای روانشناختی است. به عنوان مثال درک کامل وضع بهداشت در یک ناحیه با استفاده از داده های تکمیلی که ادراکات مردم را نسبت به وضع بهداشت، مراقبت های دریافتی و یا خدمات بهداشتی موجود را نشان می دهد آسانتر می شود. برخی از شاخص های ذهنی کیفیت زندگی عبارتند از استعداد فردی، رضایت شخصی فرد، شادی، لذت زندگی، امنیت که شخص حس می کند، رفاه عاطفی و معنا دار بودن زندگی (Matarria Cascante, ۲۰۰۸: ۲۵).

علیرغم اینکه بنظر می رسد که تاثیر شاخص های ذهنی در اعتبار علمی پایین تر است اما مزیت اصلی این گروه از شاخص ها این است که آنها تجاربی را ارزیابی می نمایند که برای فرد حائز اهمیت است. با اندازه گیری تجربه رفاه در یک بعد مشترک مثل میزان رضایت، شاخص های ذهنی ساده تر از شاخص های عینی که معمولا حاوی واحدهای اندازه گیری مختلف هستند در حوزه های مختلف قابل مقایسه هستند (Kyungmi, ۲۰۰۲: ۵۳).

قابل ذکر است فقدان یک تعریف و معیار کلی از مفهوم کیفی زندگی به ناتوانی در نیل به اجماع بر سر شاخص های مرتبط با مفهوم اصلی کیفیت زندگی است. انتخاب شاخص های عینی و یا ذهنی کیفیت زندگی در تفاوت های معرفت شناختی و هستی شناختی مرتبط با الگوهای تحقیقاتی مختلف نهفته است (مثلاً تحقیقات کیفی در مقابل تحقیقات کمی) (Matarria Cascante, 2008: 26). از این گذشته، بر حسب اعتبار و پایایی، دلیل قاطعی برای برتری یک نوع از این دو نوع شاخص بر دیگری وجود ندارد و بعلاوه وجود رابطه مستقیم بین شاخص های عینی و ذهنی کیفیت زندگی اثبات شده، و اینها موضوع بکارگیری هر دو نوع از شاخص ها را تقویت می کند. اما بسیاری از عوامل از قبیل، ویژگیهای اجتماعی مانند سن، درآمد، تحصیلات و سلامت بین جهان عینی و ارزیابی ذهنی از آن دخالت می کنند، و اینها ممکن است به صورت فیلترهایی برای تغییر شکل دادن شرایط عینی عمل کنند. هم چنین تجربه فردی یک عامل کلیدی است که بر ادراک فرد از یک قلمرو ویژه تاثیر می گذارد. به عنوان مثال، فردی که قربانی یک جنایت بوده، این عمل دارای تاثیر عمیق و ماندنی بر روی ادراک فردی وی از امنیت در آن محل است که ممکن است بسیار متفاوت با نرخ جرم و جنایتی باشد که در آن محل بوسیله شاخص های عینی اندازه گیری شده است. عامل دیگری که می تواند در رابطه عینی - ذهنی مهم باشد، سطح انتظارات و توقعات فردی است. این مسئله کمک می کند به توصیف رضایت نسبتاً بالای اظهار شده بوسیله فردی که موقعیت عینی اش تقریباً ضعیف است. تصور انطباق عامل دیگری است که می تواند رابطه بین شرایط عینی و ذهنی را تحت تاثیر قرار دهد. اینگلهارت می گوید، آرزوها بطور طبیعی با وضعیت فرد تطابق می یابند و از این طریق سطح رضایت فرد افزایش می یابد. به نظر وی رضایت ذهنی از هر جنبه خاص زندگی بازتاب شکاف بین سطح آرزوهای او و وضعیت عینی وی است. اما سطوح آرزوهای فرد به تدریج با وضعیت او تطابق می یابد. از عوامل دیگری که در رابطه بین شاخص های عینی و ذهنی کیفیت زندگی دخالت می کند، زمینه فرهنگی افراد است، که استاندارد مقایسه را در مقابل شرایط عینی اندازه گیری شده، تولید می کند (رضوانی، ۱۳۸۷، ۷).

ابعاد هشت گانه جدول ۲-۳ به عنوان ابعاد کیفیت زندگی مورد توافق همه متخصصان مطرح شده است و در کنار کدام از آنها، شاخص های اصلی سنجش این مفهوم به عنوان رفتارها، ادراکات یا شرایط مختص به هر بعد در نظر گرفته شده است تا نشان دهنده ی احساس بهزیستی فرد در هر بعد باشد.

جدول ۲-۳- ابعاد هشت گانه کیفیت زندگی و توصیف کننده های اصلی هر یک از آنها

ابعاد کیفیت زندگی	شاخص و توصیف کننده
احساس بهزیستی هیجانی	ارضاء مفاهیم مربوط به خود (هویت، خود ارزشمندی، عزت نفس) فقدان استرس
روابط بین فردی	کنش های متقابل ارتباطات (خانواده، دوستان، همسالان)

حمایت ها (احساسی، فیزیکی، مالی)	
پایگاه مالی وضعیت اشتغال مسکن	احساس بهزیستی مادی
آموزش شایستگی فردی عملکرد (موفقیت، دستاورد، کارآمدی)	رشد فردی
سلامت فعالیت جسمی زندگی روزمره فراغت	احساس بهزیستی فیزیکی
مشارکت اجتماعی نقش های اجتماعی حمایت های اجتماعی	حق تعیین سرنوشت خود
حقوق بشر (احترام، منزلت، برابری) حقوق قانونی	حقوق

مأخذ: ۲۰۶: ۲۰۰۴، Schalock,

## ۱- رویکرد ذهنی

شاخص های رویکرد ذهنی سعی دارند میزان رضایت مندی و رفاه شهروندان را از جنبه های مختلف شهری کمی و قابل اندازه گیری کنند و برای توصیف شیوه های زندگی مردم اوضاع اطرافشان را درک و ارزیابی می کنند، طراحی شده است (مانند رضایت از شغل) در این رویکرد با استفاده از شاخص های ذهنی، کیفیت زندگی شهری مورد سنجش و ارزیابی قرار می گیرد. در این رویکرد به جای استفاده از داده های ثانویه، شهروندان به طور مستقیم (از طریق پرسشنامه، مصاحبه و...) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و میزان رضایت مندی آن ها از جنبه های مختلف زندگی شهری بررسی می شود. سنجش کیفیت زندگی شهری با استفاده از این رویکرد مشکل تر بوده و وقت و هزینه بیشتری را نسبت به رویکرد عینی به خود اختصاص می دهد لیکن نتایج حاصل از آن منطقی تر بوده و بیشتر به واقعیت نزدیک می باشد (لطفی، ۱۳۸۸: ۷۵). به طوری که چانگ (۲۰۰۳، chaung) بر این باور است که ابعاد ذهنی کیفیت زندگی به مراتب از ابعاد عینی، برای برنامه ریزی و سیاست گذاری مناسب تر است، زیرا بازخوردهای قابل پذیرشی را فراهم می

نماید (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۳). البته دیدگاه ذهنی نقاط ضعف مشخصی دارد. سطح بهزیستی یا رضایت از زندگی اصولاً به تفاوت بین نیازهای فرد یا سطح انتظارات و ملاکهای او برای زندگی و وضعیت واقعی او بستگی دارد. اگر کیفیت زندگی تنها بر اساس رضایت ذهنی از زندگی ارزیابی شود و وضعیت واقعی زندگی و نیازها و ملاکهای او برای زندگی مدنظر قرار نگیرد، نتایج به دست آمده سوال برانگیز خواهد بود (میرزا حسینی، ۱۳۸۴: ۷۵).

کیفیت زندگی در بعد ذهنی، به داشتن استقلال عمل در افزایش رفاه ذهنی شامل لذت جویی، رضایت مندی، هدف داری در زندگی و رشد شخصی رشد و شکوفایی در مسیر سعادت و دگرخواهی اجتماعی و مشارکت گسترده در فعالیت های اجتماعی اشاره می کند (غفاری و امیدی، ۱۳۸۷: ۱۳). در واقع بعد ذهنی شامل ادراکات و ارزشیابی های افراد از وضعیت زندگی شان می باشد (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۷).

## ۲- رویکرد عینی

شاخص های عینی اشاره به جنبه های عینی و قابل لمس زندگی شهری دارند و در ابعاد مختلف قابل تعریف می باشند. از جمله می توان به تعداد بیمارستان های یک شهر، نرخ بیکاری، تعداد وقوع جرم، میزان فضاهای سبز شهری و... اشاره کرد.

شاخص های عینی سنجش کیفیت زندگی، شرایط مشاهده پذیر محیط زیستی را مد نظر قرار می دهند (ربانی خوراسگانی و کیان پور، ۱۳۸۶: ۷۳) و نشان دهنده شرایط بیرونی زندگی، مانند آموزش، مسکن و مانند آن می باشد.

شاخص های عینی مربوط به حقایق قابل مشاهده هستند که غالباً از داده های ثانویه به دست می آیند و کیفیت عینی زندگی، شرایط بیرونی زندگی را نشان می دهد. کیفیت عینی زندگی با استفاده از شاخص های عینی که مرتبط با واقعیات قابل مشاهده و ملموس زندگی هستند اندازه گیری می شود (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۵-۸۸). کیفیت زندگی نمی تواند تنها با استفاده از رویکرد عینی ارزیابی گردد بلکه در نظر گرفتن ذهنیت افراد نیز دارای ضرورت می باشد (Tuan Seik, ۲۰۰۰: ۳۴).

شاخص های رویکرد عینی آن هایی هستند که سعی بر توصیف محیط های فیزیکی و اجتماعی دارند که مردم در آن ها زندگی و کار می کنند (مثل تدارکات خدمات بهداشتی، آموزشی، نرخ بیکاری، فعالیت های فراغت یا وضعیت مسکن). این گونه شاخص ها بر اساس فراوانی یا کمیت فیزیکی اندازه گیری می شوند. در این دسته از شاخص ها محیط های زندگی و کار افراد و گروه ها توصیف می شود.

لازمه ی کیفیت زندگی فردی در بعد عینی، تأمین نیازهای اساسی و برخورداری از منابع مادی جهت برآوردن خواست های اجتماعی شهروندان است. بعد عینی وضعیت ظاهری و ملموس زندگی را نشان می دهد.

جنبه عینی کیفیت زندگی به نوبه خود به دو امر دلالت دارد: اول، اوضاع و احوال محیط زیست آدمی همچون آلودگی محیط، مسکن، منابع مالی، تفریحات و مانند آن. دوم، برخی از مشخصات افراد جامعه همچون تندرستی، دستاوردهای آموزشی، انسجام خانوادگی، سلامت روانی و مانند آن.

بدین گونه میتوان گفت که کیفیت زندگی هم جنبه های عینی-کیفی مانند دسترسی به امکانات و فرصت ها و هم جنبه های ذهنی-کیفی مانند روابط اجتماعی، رضایت از زندگی مشارکت و احساس همبستگی اجتماعی را در بر می گیرد. اگرچه ممکن است همبستگی میان ابعاد چندان روشن نباشد چرا که رابطه میان شرایط عینی جامعه با چگونگی ارزیابی آن از سوی افراد جامعه به دلیل عدم وجود رابطه خطی بین پدیده های اجتماعی از پیچیدگی ها جامعه شناسی است. اگر میزان انتظارات مردم با سرعت بیشتری از شرایط عینی زندگی رشد کند، ممکن است میزان رضایت آنان از زندگی شان را نیز کاهش دهد (قرنچیک، ۱۳۸۹: ۲۷).

### ۳- رابطه بین کیفیت ذهنی و عینی

ادراک ذهنی افراد از بهزیستی اغلب به وسیله تجارب شان تحت تأثیر قرار می گیرد. بسیاری از عوامل از قبیل، ویژگیهای اجتماعی مانند سن، درآمد، تحصیلات و سلامت بین جهانی عینی و ارزیابی ذهنی از آن دخالت می کنند، و اینها ممکن است به صورت فیلترهایی برای تغییر شکل دادن شرایط عینی عمل کنند. همچنین تجربه فردی یک عامل کلیدی است که بر ادراک فرد از یک قلمرو ویژه تأثیر می گذارد. به عنوان مثال، فردی که قربانی یک جنایت بوده، این عمل دارای تأثیر عمیق و ماندنی بر روی ادراک فردی وی از امنیت در آن محل است که ممکن است بسیار متفاوت با نرخ جرم و جنایتی باشد که در آن محل به وسیله شاخص های عینی اندازه گیری شده است. عامل دیگری که می تواند در رابطه عینی-ذهنی مهم باشد، سطح انتظارات و توقعات فردی است. پایین بودن سطح انتظارات باعث به وجود آمدن رضایتمندی نسبتاً بالای اظهار شده به وسیله فردی که موقعیت عینی اش تقریباً ضعیف است، می گردد. تصور انطباق عامل دیگری است که می تواند رابطه بین شرایط عینی و ذهنی را تحت تأثیر قرار دهد. اینگلهارت می گوید، آرزوها به طور طبیعی با وضعیت فرد تطابق می یابند و از این طریق سطح رضایت فرد افزایش می یابد. به نظر وی رضایت ذهنی از هر جنبه خاص زندگی بازتاب شکاف بین سطح آرزوهای او و وضعیت عینی وی است. اما سطوح آرزوهای فرد به تدریج با وضعیت او تطابق می یابد (عبدی و گودرزی، ۱۳۷۸). از عوامل دیگری که در رابطه بین شاخص های عینی و ذهنی کیفیت زندگی دخالت می کند، زمینه فرهنگی افراد است که استاندارد مقایسه را در مقابل شرایط عینی اندازه گیری شده، تولید می کند (قرنچیک و بدری، ۱۳۹۳: ۴۷). توافق عمومی در میان محققان کیفیت زندگی وجود دارد که از طریق یکپارچه کردن ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی امکان به دست آوردن تصویر کامل تر و مفیدتری از کیفیت زندگی در مقیاس های گوناگون مکانی و زمانی وجود دارد.

در واقع مناسب است که رویکرد عینی و ذهنی با هم ترکیب شوند، زیرا شاخص های ذهنی این اجازه را می دهند که بینشی از رضایت فرد و هر آنچه که برای مردم رضایت بخش است به دست آید؛ و شاخص های

عینی نیز برای سنجش ابعادی از محیط که سنجش آنها مشکل است، مناسب می نماید (Kamp et al, ۱۱: ۲۰۰۳). بنابراین هر ارزیابی جامعی از کیفیت زندگی باید در برگیرنده ی جنبه های عینی و ذهنی باشد. سنجش کیفیت زندگی بدین شکل می تواند از توان هر دو رویکرد برای رسیدن به اطلاعات قابل اعتماد و قابل اطمینان تر درباره کیفیت زندگی استفاده کند. با این وجود، بحص های متناقضی در مورد شدت رابطه بین کیفیت عینی و ذهنی زندگی وجود دارد. مثلاً برتون و همکاران (Berreton et al, ۳۹۳: ۲۰۰۸) نشان دادند که رابطه ی قوی بین این دو نوع شاخص وجود دارد. در حالیکه مک کری (McCrea et al, ۷۹: ۲۰۰۶) و همکاران و داس (Das, ۳۰۸: ۲۰۰۸) به این نتیجه رسیدند که رابطه ای ضعیف بین کیفیت عینی و ذهنی زندگی وجود دارد (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۵). گسترده ترین و رایج ترین تمایز در بررسی کیفیت زندگی، تمایز میان کیفیت زندگی ذهنی و عینی است. علاوه بر این می توان میان کیفیت زندگی فردی و نیز کیفیت زندگی جمعی نیز قائل شد. به عنوان مثال شاخص های کیفیت زندگی عینی جمعی می توانند شامل درآمد سرانه، میانگین مصرف کالری، درصد باسوادان، نرخ جرایم، امید به زندگی و مجموعه ای از دیگر شاخص ها باشد (نوغانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

جدول ۲-۴- دسته بندی انواع کیفیت زندگی بر حسب ذهنی-عینی و فردی-جمعی

کیفیت زندگی	عینی	ذهنی
فردی	درآمد، بیمه، تحصیلات و...	احساس خوشبختی، رضایت از زندگی و...
جمعی	متوسط درآمد، نسبت برخورداران از بیمه، متوسط باسوادی و...	متوسط میزان احساس خوشبختی، متوسط میزان رضایت از زندگی

مأخذ: نوغانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۵

## شاخص های اصلی کیفیت زندگی

### ۱- تولید ناخالص داخلی (GDP)

اولین شاخص پیشرفت اجتماعی و کیفیت زندگی به شمار می آید. این شاخص که در سال ۱۹۴۰ معرفی شد، معمول ترین شاخص مورد استفاده برای مقایسه ثروت کشورها و معیاری برای بهزیستی و توسعه منحصر بر اساس ثروت مادی است. منتقدان می گویند، به دلیل اینکه GDP میان هزینه-منفعت، مطلوب-نامطلوب و فعالیت های مولد-آسیب رسان تمایزی قابل نمی شود، نمی تواند معرف کیفیت زندگی باشد. از سوی دیگر مطالعات علمی نشان داده اند که رابطه میان پیشرفت اقتصادی و کیفیت زندگی رابطه خطی نیست، این دو تا نقطه ای همسو و هم جهت حرکت می کنند و آن نقطه ای است که حداقل شرایط مطلوب مادی برای زیست انسان فراهم شده باشد، ولی از آن به بعد دیگر نمی توان انتظار داشت که تامین نیازهای اقتصادی به بهبود کیفیت زندگی کمک کند، زیرا انسان موجودی چند وجهی و پیچیده است و منطق اقتصادی نمی تواند بسیاری از رفتارهای او را تبیین کند.

## ۲- شاخص پیشرفت اصلی (GPI)

این شاخص نخستین بار توسط سازمان تعریف مجدد پیشرفت مطرح شد و دارای ۱۸ مؤلفه است که پیشرفت اجتماعی را در قالب ارزش پولی می‌سنجد. مهم‌ترین مؤلفه‌های این شاخص عبارتند از: زیرساخت‌های عمومی، آلودگی، توزیع درآمد، بیکاری، مرگ و میر در تصادفات و ...

## ۳- شاخص سلامت اجتماعی (SHI)

این شاخص توسط دکتر مارک میرینگاف و همکارانش در موسسه «نوآوری در سیاست اجتماعی» وابسته به دانشگاه فوردهام تهیه شد. این شاخص از ۱۶ مؤلفه تشکیل شده، که همه مراحل زندگی، هم‌چنین فرد و جامعه را پوشش می‌دهد. دولت کانادا و ایالت کانتیکات به طور گسترده این شاخص را به کار می‌گیرند (سجادی و صدرالسادات، ۱۳۸۳). مهم‌ترین مؤلفه‌های این شاخص عبارتند از: مرگ و میر نوزادان، خودکشی نوجوانان، پوشش بیمه درمانی، مسکن، استفاده از مواد مخدر، متوسط درآمد هفتگی و ...

## ۴- شاخص توسعه انسانی (HDI)

این شاخص که در سال ۱۹۹۰ توسط UNDP ارائه شد، هر ساله از طریق یک شاخص مرکب دستاورد کشورها را در توسعه انسانی می‌سنجد و بر اساس آن کشورها را درجه بندی می‌کند. HDI بر مبنای کار Sen's طراحی شد و باعث اعتراف به ماهیت چند بعدی توسعه و گرایش به سمت استراتژیهای مختلف برای حرکت از ارتقاء رشد به ارتقاء بهزیستی گردید. دیدگاه Sen's یک دیدگاه کیفی و چند بعدی است، که انسانها را در مرکز مفهوم توسعه قرار می‌دهد و هدف توسعه را بالا بردن قابلیت‌های انسانی به عنوان راهنمای کامل زندگی می‌داند. بنابراین HDI که با استفاده از دیدگاه Sen's برای مقایسه بین‌المللی تصور شده بود، منجر به ایجاد شاخصهای دیگری از قبیل شاخص توسعه جنسیتی (GDI)، شاخص توانمند سازی جنسیتی (GEM) و شاخص فقر انسانی (HPI) شد، که همه این شاخص‌ها سه بعد، امید به زندگی، دانش و استاندارد زندگی مناسب را اندازه می‌گیرند. اما HDI و شاخص‌های جانبی آن تعریف خیلی محدودی از کیفیت زندگی ارائه می‌کند، بنابراین در این راستا شاخص‌های دیگری برای کیفیت زندگی مطرح شدند، از قبیل شاخص کیفیت طبیعی زندگی (PQOL) در سال ۱۹۹۶ و شاخص کیفیت زندگی Dasgupta and Weale که آزادیهای مدنی و قوانین سیاسی را به HDI افزود. و بسیاری دیگر از مطالعات که مشکلات تهیه شاخص‌ها را با توجه به جنبه‌های چند بعدی کیفیت زندگی، فراوانی متغیرها و اندازه‌گیری حساسیت برای وزن دهی به هر سیستم نشان دادند. به هر حال هر کدام از شاخص‌های ذکر شده، تصویر خاصی از کیفیت زندگی را ارائه می‌دهند، زیرا هر یک درباره اینکه کیفیت زندگی از چه عواملی ترکیب یافته است، مفروضات متفاوتی دارند (زاهدی، ۱۳۹۲: ۵۴-۵۵).

## شاخص‌های کیفیت زندگی در ایران

با توجه به مطالعات جهانی و با توجه به ساختار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایران می توان شاخص های کلی زیر را برای بررسی کیفیت زندگی شهروندان ایرانی معرفی کرد.

### ۱- شاخصهای محیطی

شاخص های محیطی خود می توانند در دو بعد محیط های کالبدی و فیزیکی و محیط زیست طبیعی مورد بررسی و اندازه گیری قرار گیرند.

#### الف- محیط کالبدی و فیزیکی

منظره پایدار محیط زندگی از مهمترین موضوعات جهت بالابردن سطح کیفی فضای زندگی شهروندان است. توجه به معماری ساختمان ها، همگنی، همجواری، هم پیوندی و تفکیک مناسب فضا و کالبدها باعث بالا رفتن سطح کیفی زندگی شهروندان از طریق آرامش ذهنی و دیداری آنهاست.

#### ب- محیط زیست طبیعی

توجه به مسایل زیست محیطی و دفع زباله و پسماندها و سیستم های بازیافت و فاضلاب های خانگی و صنعتی و همچنین خطرهای طبیعی مانند سیل و زلزله و... آنقدر مهم و مشهود است که لزومی به پرداختن به ضرورت آن نیست. بخصوص با توجه به توسعه و پیشرفت تکنولوژی و تولید مواد غیر طبیعی و مصنوعی، نیاز به توجه بیشتر به این موضوع، مبحث بسیاری از دانشمندان می باشد. حتی برخی نویسندگان این دوره را عصر محیط زیست می نامند. باید توجه داشت که زندگی و بالندگی شهروند و شهرها به شدت با حفظ کیفیت محیط زیست شهری و تضمین و تداوم سلامت آن پیوند خورده است.

### ۲- شاخصهای فرهنگ شهروندی

فرهنگ شهروندی به معنای اصول حاکم بر رفتار شهروندان می باشد. این موضوع سرچشمه بسیاری از مباحث پیرامون تفاوت شهرنشینان، شهرگرایان و شهروندان (در مفهوم خاص آن) می باشد. بالا بودن سطح کیفی اکثر سطوح شاخصهای کیفیت زندگی.

### ۳- شاخصهای اقتصادی

تامین حداقل نیازهای اقتصادی شهروندان، از مهمترین شاخص های مدیریت کیفیت زندگی شهروندان می باشد. ایجاد تعادل میان عرضه و تقاضای کالا، هزینه و درآمد و اشتغال شهروندان بسیاری از مشکلات شهروندی را حل و فصل خواهد کرد.

حل مشکلات و بهبود وضعیت اقتصادی نه تنها شاخص اقتصادی کیفیت زندگی شهروندان را به سطح مطلوبی می رساند که به طور مستقیم بر بالا رفتن سطح کیفی شاخص های دیگری همچون مسکن، فرهنگ، جمعیت و... تأثیر خواهد داشت.

### ۴- شاخصهای جمعیتی و اجتماعی

این شاخص به طور عمده بر جمعیت، میزان رشد آن، تراکم های جمعیتی و مؤلفه های مربوط به آن استوار است. بسیاری از خصوصیات کیفی و کمی اجتماعی به طور مستقیم و ترکیبی بر سطح کیفی زندگی شهروندان تأثیرگذار است. افزایش جمعیت مشکلات بسیاری همچون افزایش تراکم ها، کاهش سرانه ها،



افزایش اصطحکاک های اجتماعی و... را در بر خواهد داشت که بالطبع سطح کیفی زندگی را کاهش خواهد داد.

همچنین عدم تعادل در هرم سنی و جنسی جمعیت و کمبود امکانات رفاهی به نسبت جمعیت از عواملی است که کیفیت زندگی را کاهش می دهد.

#### **۵- شاخصهای آموزش، تحصیلات و مهارت ها**

لزوم آموزش از کودکی و در مهدهای کودک و پیش دبستانی آغاز شده و تا هنگام مرگ ادامه خواهد داشت. با توجه به پیچیده شدن زندگی و در هم آمیخته شدن نیازهای انسانی و رشد روزافزون تکنولوژی جهت افزایش مهارت های زندگی، در هر سنی و هر جنسیتی و در هر حالی لازم است. تحصیلات آکادمیک و دانشگاهی نیز نوع عالی آموزش می باشد.

#### **۶- شاخصهای زیر ساخت ها و تأسیسات**

یکی از مهمترین شاخصهای کیفیت زندگی در شهرهای بزرگ و پرتراکم کنونی، توسعه زیرساختها و تأسیسات و تجهیزات شهری است که عدم وجود آنها نه تنها سطح کیفی زندگی را کاهش می دهد که بدون آنها زندگی بشری به شکل امروزی اصلاً ممکن نیست. ایجاد راههای ارتباطی مهمترین مقیاس قابل بررسی در این شاخص است.

#### **۷- شاخصهای سلامتی و بهداشت**

شهروندی که دچار مشکلات سلامتی و بهداشت است، توانایی بهره گیری کیفی از هیچکدام از شاخص های کیفیت زندگی را ندارد. این که مبحث کیفیت زندگی ابتدا در مورد بیماران جسمی و روانی و حل مشکلات آنان و افزایش سطح کیفی زندگی آنان مطرح شده، بیانگر اهمیت شاخص سلامتی و بهداشت در حفظ کیفیت زندگی است.

#### **۸- شاخصهای حقوق شهروندی**

حقوق شهروندی ابعاد مختلفی دارد که برخی متفکران غربی آنرا به سه بعد تجزیه کرده اند؛ بعد مدنی، بعد سیاسی و بعد اجتماعی. بعد مدنی عبارت از حقوق ضروری برابری آزادیهای فردی، آزادی بیان و مذهب و اندیشه و سایر آزادی های فردی است. بعد سیاسی حق مشارکت شهروندان در اعمال قدرت سیاسی، خواه در نقش عضو قدرت و خواه در نقش رای دهنده و بعد اجتماعی شامل دامنه ای گسترده از حقوق حداقلی رفاه و تامین اجتماعی می باشد.

#### **۹- شاخصهای تفریحات و استراحت**

یکی از راهکارهای ایجاد سلامتی روحی و جسمی، استفاده از امکانات تفریحی و سرگرمی های مناسب می باشد. محیط زندگی و کاری و اجتماعی شهروندان سرشار از مشکلات، اصطحکاک ها، برخوردها و درگیری می باشد.

شهروندان برای تخلیه فشارها و استرس های روانی و ایجاد آرامش ذهنی و جسمی نیاز به استفاده از امکانات تفریحی و سرگرمی و استراحت دارند. تفریحات و سرگرمی ها برای دور شدن از فشارهای ناشی از عدم رعایت استاندارد سطوح کیفی لازم در دیگر شاخصهای کیفیت زندگی شهروندان است.

## ۱۰- شاخصهای مسکن و سرپناه

دارا بودن مسکن و سرپناه یکی از نیازهای اولیه و ضروری بشری است. مسکن ضمن اینکه سرپناهی برای استراحت و تجدید قوای فیزیکی است، می تواند محلی جهت آرامش و استراحت روحی، آموزش، اشتغال و ارتقای فرهنگ باشد. دو مؤلفه در مورد کیفیت و کمیت مسکن باید مورد توجه قرار گیرد:

### الف- کیفیت کالبدی مسکن

باید در مورد تعداد مسکن لازم در قبال جمعیت و خانوار و کیفیت ساخت و ساز آن و مصالح و قوانین مربوطه سطوح کیفی مشخصی در نظر داشت.

### ب- کیفیت سکونتی مسکن

کیفیت محیط و مشخصات هر مسکن باید با توجه به کیفیت و کمیت ساکنین آن مورد توجه قرار گیرد. توجه به تعداد خانوار و ابعاد مناسب مسکن متناسب با تعداد، فرهنگ ساکنین و دیگر ابعاد فردی و اجتماعی خانوار ساکن در آن.

## ۱۱- شاخصهای امنیت

امنیت یکی از ارکان توسعه پایدار و آسایش زندگی انسانی است. امنیت همچون عاملی زیربنایی جهت تمامی شاخصهای دیگر باید تامین گردد تا امکان بهره وری کامل و کیفی سایر شاخصها میسر گردد. نکته قابل ذکر، انطباق بالای این ده شاخص کیفیت زندگی با شاخص های هفتگانه حیاتی انسان که توسط فرانتس شافر و کارل روپرت بیان شده است می باشد. این شاخص های هفتگانه عبارتند از: تولید مثل و تداوم بقاء، اشتغال و معیشت، محل سکونت و زیست، آموزش و پرورش، آمد و شد و جابجایی، تامین و تدارک نیاز و استراحت و فراغت؛ جالب اینجاست که از دیدگاه جغرافیایی، شهر مکانی است که شاخص های حیاتی انسان در محدوده آن به شکل تبلور یافته عینیت می یابد (شهری، ۱۳۹۰: ۳۵-۳۳).

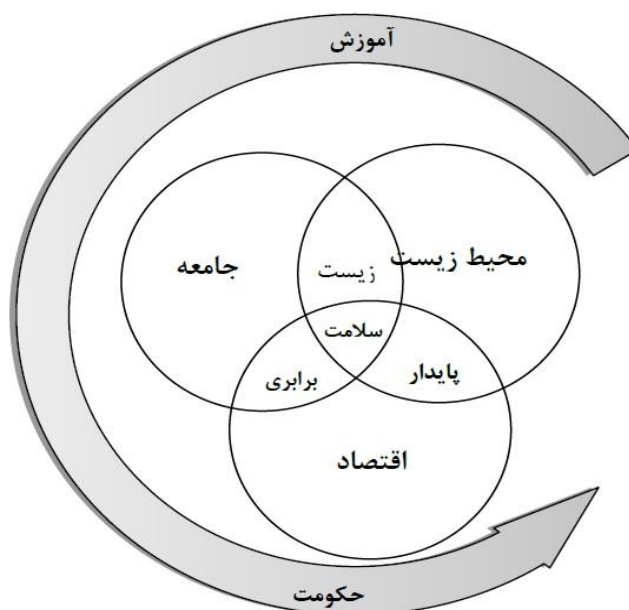
## مدل های کیفیت زندگی

تشخیص قلمروهای زندگی و چگونگی روابط بین آنها، که می تواند برای پیش بینی کیفیت زندگی مردم مورد استفاده قرار گیرد، باید ضرورتاً در چارچوب یک مدل مفهومی صورت گیرد. مدل های ساختاری گوناگونی برای تشریح این موضوع که، چگونه افراد قلمروهای مختلف را برای ارائه کیفیت کلی زندگی با هم ترکیب می کنند، پیشنهاد شده است. تفاوت های عمده در این مدل ها ناشی از تفاوت در مقیاس ها، شاخص ها و قلمروهای زندگی است که در مطالعه کیفیت زندگی توسط محققان مختلف مورد استفاده قرار گرفته اند. به عنوان مثال، براساس مقیاس، کیفیت زندگی می تواند در سطح فردی و یا گروهی و یا در سطح محلی، شهری، ملی و بین المللی مطالعه شود، و یا بر اساس شاخص ها، برخی مدل های مفهومی کیفیت زندگی مبتنی بر شاخص های عینی و برخی مبتنی بر شاخص های ذهنی می باشند، در حالیکه برخی دیگر مبتنی بر هر دو نوع شاخص می باشند.

## ۱- مدل کیفیت زندگی هنکوک و همکارانش

هنکوک و همکارانش نیز در سال ۱۹۹۹ مدلی را برای تبیین مفهوم کیفیت زندگی در نواحی شهری ارائه دادند (شکل ۶). مدل آن ها بر سه قلمرو اجتماع، محیط و اقتصاد تأکید دارد. تعیین صریح قلمروها و ارائه تصویری از ارتباط متقابل مفاهیم زیست پذیری، کیفیت زندگی و پایداری مزیتی برای این مدل است و می تواند برای تدوین ابعاد پایداری، رفاه و کیفیت زندگی شهری در یک جامعه مورد استفاده قرار بگیرد (Hancock & et al, ۱۹۹۹: ۲۴).

شکل ۲-۶- مدل مفهومی عوامل مؤثر در کیفیت زندگی شهری



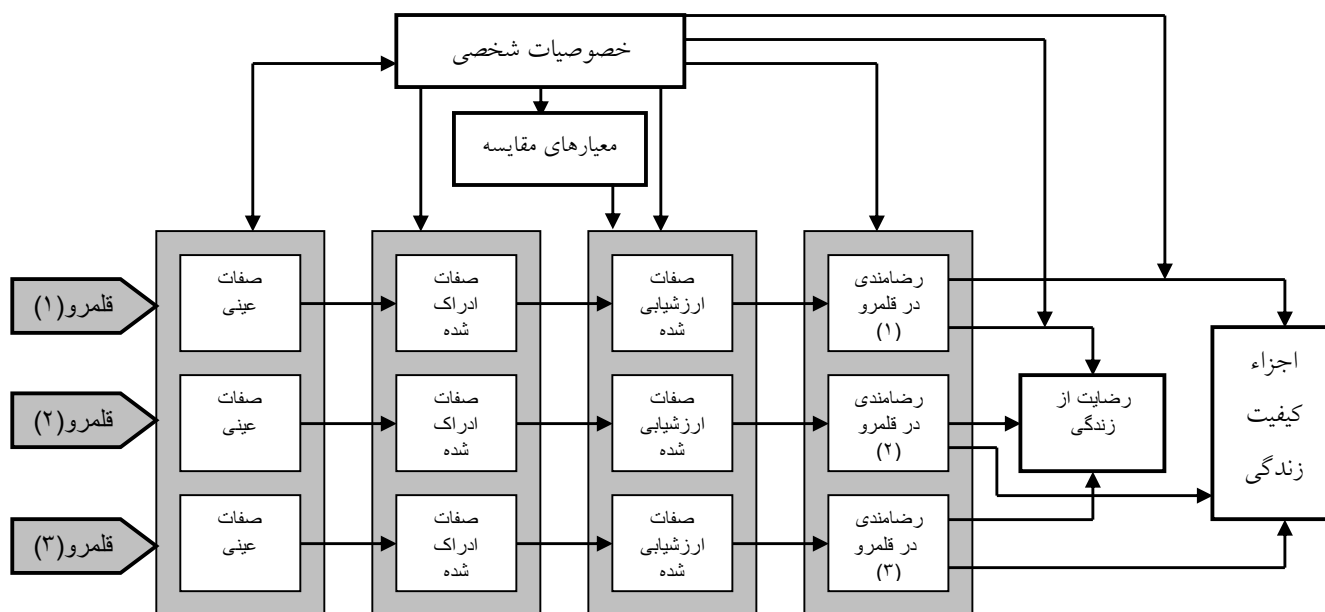
مأخذ: Hancock et al, ۱۹۹۹

## ۲- مدل کیفیت زندگی کامپل و همکاران

کامپل و همکاران وی در سال ۱۹۷۶، در گزارش کیفیت زندگی مردم امریکا به تدوین مدلی از عوامل پرداختند که در ابراز رضایتمندی شخص از هر یک از قلمروهای زندگی و شیوه ی تعیین رضایتمندی کلی

از زندگی موثر بود. این مدل در شکل (۷) نمایش داده شده است. این مدل مبین آن است که موقعیت عینی شخص در هر یک از قلمروهای زندگی مثل بهداشت، در ادراک وی از آن موقعیت موثر است، اما این ادراک ممکن است نسبت به موقعیت عینی (به لحاظ خصوصیات شخصی فرد) کاملاً متفاوت باشد. در مرحله بعد، موقعیت ادراک شده با معیارهای مقایسه‌ی شخص ترکیب شده، تا ارزیابیش از آن قلمرو مشخص گردد. مجدداً خصوصیات شخصی با ارزشیابی شخص ترکیب شده، تا رضایتمندی در آن قلمرو تعیین گردد، و سرانجام، رضایتمندی در همه قلمروهای زندگی ترکیب شده، تا کیفیت کلی زندگی شخص را مشخص نماید.

شکل ۲-۷- مدل کیفیت زندگی کامل و دیگران

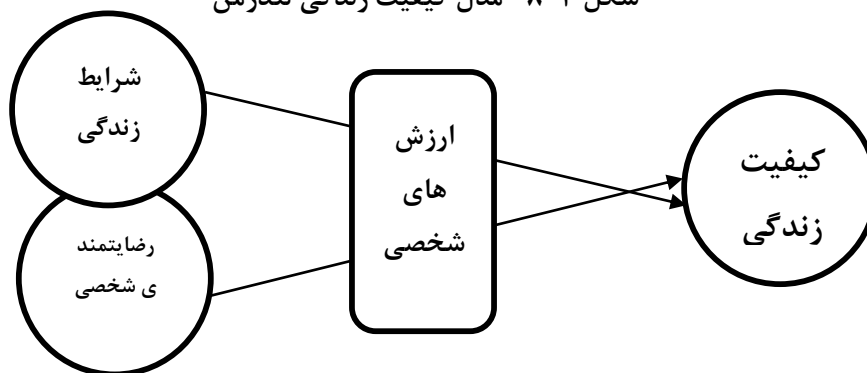


مأخذ: ۱۹۷۶، Combell & et al، به نقل از ستاری، ۱۳۸۹، ۳۵-۳۴

### ۳- مدل کیفیت زندگی لندزمن

مدل کیفیت زندگی سه عاملی لندزمن، ارزش های شخصی، همراه با شرایط زندگی و رضایتمندی از زندگی را در تعامل با هم تعیین کننده کیفیت زندگی می داند. در این مدل سنجش کیفیت زندگی هم بر اساس شاخص های ذهنی و هم شاخص های عینی می باشد و میزان اهمیتی که شاخص های عینی و ذهنی داده می شود و چگونگی ترکیب آنها بر هم مبنای ارزشهای افراد می باشد. تصمیم گیری در مورد اهمیت و چگونگی وزن دهی به معیارها بر اساس ارزش های شخصی، به این صورت است که معیارهایی که فاقد مبنایی برای رتبه بندی و تعیین اهمیتی هستند که افراد مختلف به ابعاد مختلف زندگی می دهند، معمولاً با ارزش دهی مساوی با هم ترکیب می شوند. در غیر این صورت، برای تولید یک ساختار وزن دهی از پیش فرض های مربوط به اهمیت نسبی ابعاد مختلف استفاده می گردد. مدل کیفیت زندگی لندزمن به این دلیل که چارچوبی سلیقه ای را برای ترکیب معیارها به کار می برد، مورد استفاده قرار گرفته است.

شکل ۲-۸- مدل کیفیت زندگی لندزمن

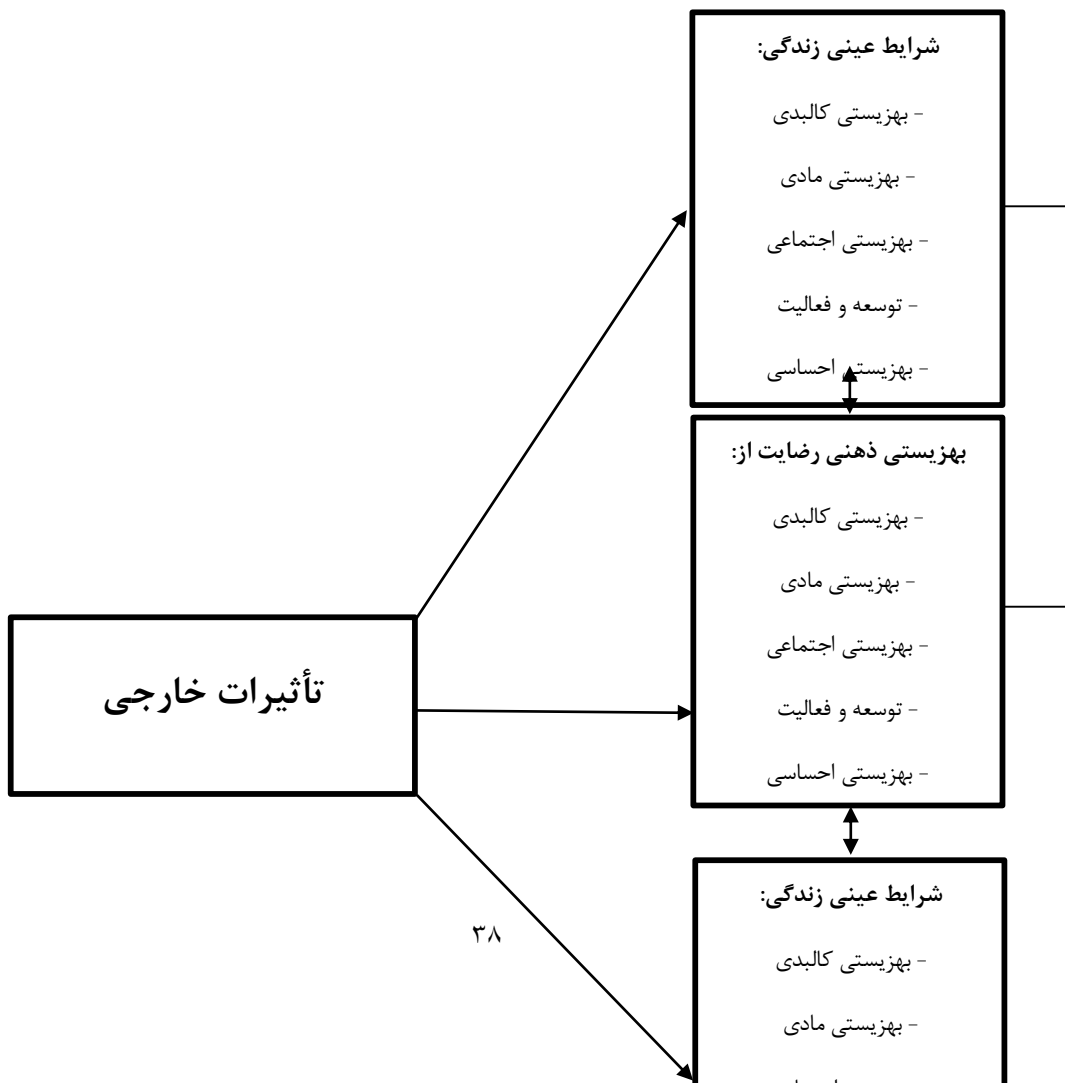


مأخذ: Landesman, ۱۹۸۶ به نقل از Place & Perry, ۱۹۹۵: ۵۵

#### ۴- مدل کیفیت زندگی فلیس و پری

کیفیت زندگی در مدل فلیس و پری مترادف با ارزیابی کلی بهزیستی تعریف می شود. بهزیستی کلی در این تعریف، فراتر از بهزیستی ذهنی می باشد. در مدل فلیس و پری، سنجش کیفیت زندگی، به وسیله شاخص های عینی و همچنین ارزیابی ذهنی از بهزیستی کالبدی، مادی، اجتماعی، احساس و میزان توسعه و فعالیت های هدفمند می باشد که با توجه به مجموعه ارزش های شخصی، وزن دهی و اهمیت گذاری می گردد.

شکل ۲-۹- مدل کیفیت زندگی فلیس و پری



↓  
ارزیابی کلی از بهزیستی (کیفیت زندگی)

## ۵- مدل کیفیت زندگی رافائل

مدل کیفیت زندگی رافائل دارای سه معیار می باشد که عبارتند از:  
نخست: بودن:

کالبدی-سلامت کالبدی

روانشناختی - سلامت ذهنی، احساسات، سازگاری، شناخت

روحی - ارزش های شخصی، روابط و اعتقادات

دوم: تعلق داشتن - روابط فرد با محیط:

کالبدی-مسکن، محل کار، همسایگی، مدرسه و اجتماع

اجتماعی-خانواده، دوستان، همسایه ها و غیره

سوم: شدن - فعالیت های هدفمند برای دستیابی به اهداف و آرزوها

عملی - فعالیت های روزانه

تفریح - فعالیت هایی که موجب کسب آرامش و کاهش فشارهای زندگی می شود

رشد فردی - حفظ و ارتقاء دانش و مهارت های فردی و سازش پذیری برای تغییر

مدل رافائل بر کیفیت زندگی فردی تمرکز دارد که با شرایط اجتماعی و محیطی موجود در جامعه بر  
همکنش دارد (Philips, ۲۰۰۶: ۳۸).

## ۶- مدل کیفیت زندگی سالواریس

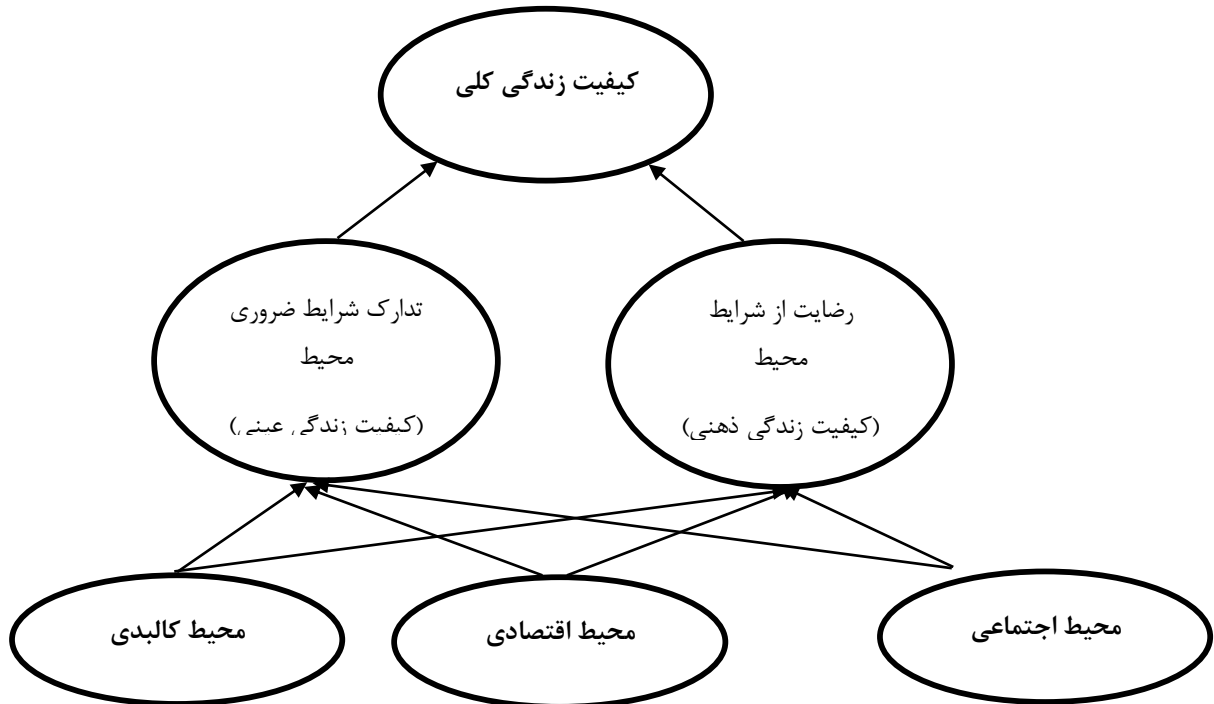
مدل سالواریس، کیفیت زندگی را برابر با بهزیستی در شاخص های زیر می داند:

- ۱- بهزیستی و سلامت فردی
- ۲- فرصت های شغلی مناسب
- ۳- جامعه منصف
- ۴- جامعه ایمن از جرم و جنایت
- ۵- اقتصاد مولد
- ۶- قوانین و دولت مناسب
- ۷- محیط پایدار و سالم
- ۸- جوامع سالم و شهروند فعال
- ۹- زندگی فرهنگی سالم
- ۱۰- روابط بین المللی سالم (مأخذ: Salvaris, ۲۰۰۰ به نقل از ۴۷: Repley, ۲۰۰۳).

## ۷- مدل کیفیت زندگی داس

مدل کیفیت زندگی داس، کیفیت زندگی را شامل سه بعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی می داند و در هر بعد، تدارک شرایط ضروری محیطی (کیفیت زندگی عینی) و رضایت از شرایط محیط (کیفیت زندگی ذهنی) را شکل دهنده کیفیت زندگی کلی می داند.

شکل ۲-۱۰- مدل کیفیت زندگی داس





مأخذ: ۳۰۱: ۲۰۰۸، Das,

## ۸- مدل کیفیت زندگی میشل

مدل کیفیت زندگی میشل شاخص های کیفیت زندگی و متغیرهای سازنده هر یک از آنها را به شکل زیر طبقه بندی می کند:

الف- سلامت: به طور کلی سلامت هر جامعه حاصل سلامت فیزیکی و روحی-روانی آحاد و اعضای آن جامعه می باشد.

ب- امنیت: احساس امنیت در نتیجه عواملی از جمله اجرای عدالت، ایمنی محیط سکونت، امنیت اقتصادی فردی و بهره مندی از یک زندگی متعارف و قاعده مند به وجود می آید.

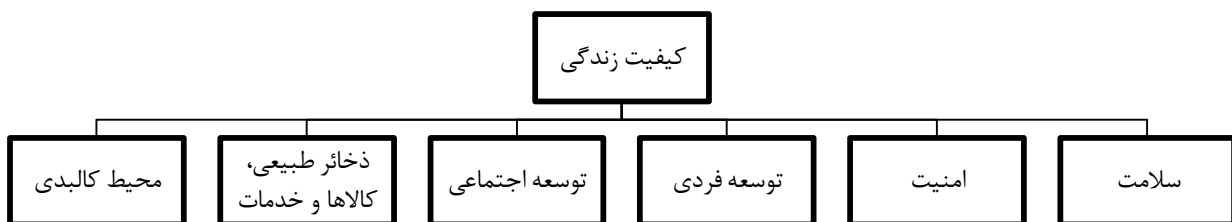
پ- رشد فردی: دست یابی به آرمان رشد و تحول فردی از طریق بهره مندی از فرصت های کافی برای تفریح، امکان گذران اوقات فراغت به شکلی مناسب و مطلوب و بهره مندی از آموزش و یادگیری امکان پذیر می گردد.

ت- توسعه اجتماعی: تحقق هدف رشد و توسعه در هر جامعه وابسته به عوامل نظیر کیفیت مشارکت سیاسی شهروندان، شبکه های اجتماعی و تعاملات جمعی و ساختار جامعه مورد نظر می باشد.

ث- ذخایر طبیعی، کالاها و خدمات

ج- محیط کالبدی: در ارتباط با مؤلفه ها محیط فیزیکی، توجه به متغیرهایی نظیر ادراک بصری و کیفیت منظر، آب و هوا، آلودگی و سر و صدای محیطی ضروری است.

شکل ۲-۱۱- مدل کیفیت زندگی میشل



مأخذ: Mitchell, ۲۰۰۰ به نقل از رضاپور، ۱۳۸۹: ۱۰۷

## ۹- کیفیت فراگیر زندگی اشمیت و نول

اشمیت و نول سعی دارند تا مباحثی اساسی نظیر رفاه ذهنی، رفاه عینی، اهداف اجتماعی و سیاستگذاری اتحادیه اروپا و تئوری های اجتماعی پیرامون سرمایه اجتماعی را در درون یک چارچوب منسجم مبتنی بر کیفیت زندگی که به عوامل کیفی اجتماعی همچون برابری، آزادی، امنیت و انسجام بیش از عوامل فردی توجه دارد، مدنظر قرار دهند. آنها این چارچوب را در مجموعه ای از حوزه ها، زیر حوزه ها و شاخص ها در قالب آنچه نول (۲۰۰۲) آن را سیستم شاخص های اجتماعی اروپایی می نامد، عملیاتی می کنند. این

مجموعه می تواند به عنوان ابزاری برای مشاهده تحلیل مستمر توسعه توسعه و بهبود سطح رفاه کیفیت زندگی و همچنین تغییر ساختار اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. آنها در سطح فردی میان جنبه های شناختی و عاطفی رفاه ذهنی و میان ابزار، منابع و ظرفیت ها و اهداف یا دستاوردهای (شرایط زندگی) رفاه عینی تمایز قائل می شوند، همچنین در سطح اجتماعی دو عنصر اصلی کیفیت زندگی را همبستگی اجتماعی و پایداری می دانند. در این مدل همبستگی اجتماعی دارای دو عنصر است یکی کاهش تفاوت ها و نابرابری ها و دیگری تقویت پیوندها، شبکه ها و روابط اجتماعی، افزایش احساس تعلق به جماعت و پیوند با آن بر اساس ارزش های مشترک، هویت جمعی و اعتماد میان اعضا از این منظر با اصول دو گانه یعنی برابری و انسجام پیوند می خورد. به عبارتی مفهوم همبستگی اجتماعی در این مدل بر دو بعد استوار است، بعد نابرابری که بر افزایش فرصت ها و کاهش نابرابری و شکاف های درون جامعه تمرکز دارد. این بعد همچنین جنبه طرح اجتماعی را در بر می گیرد. بعد دوم سرمایه اجتماعی است که بر هدف تقویت روابط اجتماعی و روابط متقابل تأکید دارد.

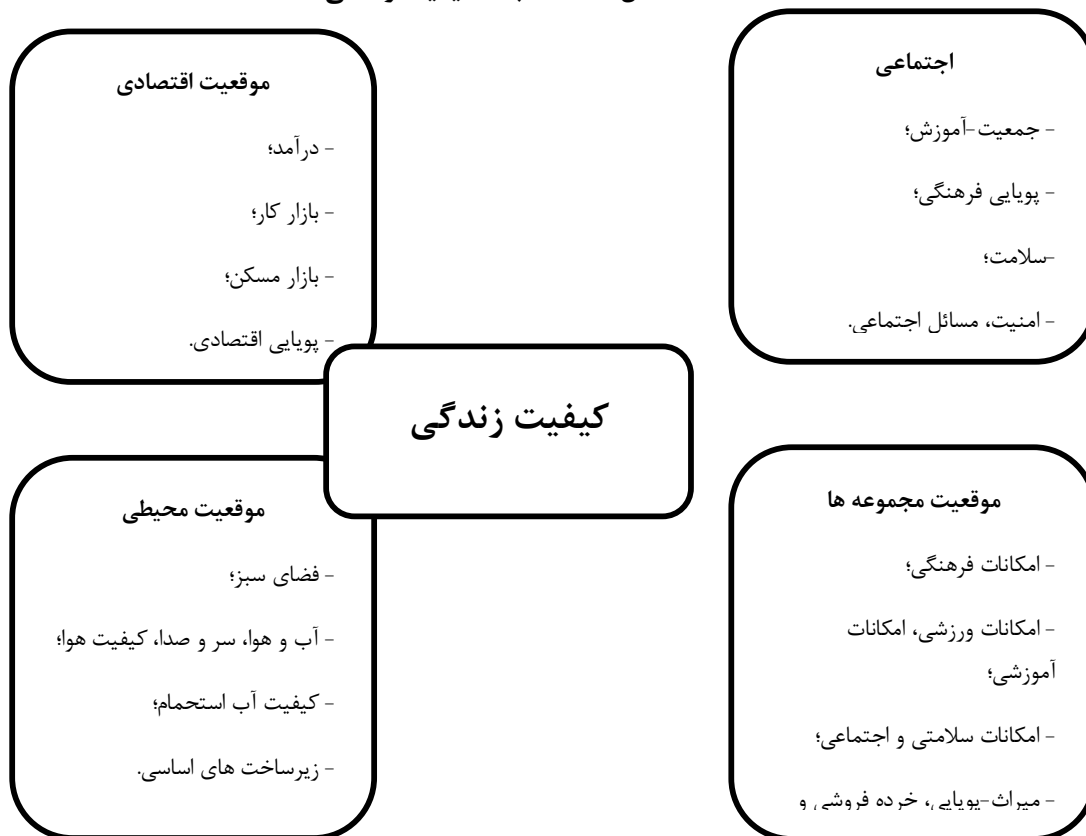
جدول ۲-۵- کیفیت فراگیر زندگی اشمیت و نول

سطوح	سنجه های رفاه	تغییر اجتماعی
سطح فردی	کیفیت زندگی - شرایط زندگی - رفاه ذهنی	ارزش ها و نگرش ها - پساماده گرایی - نقش های جنسیتی - اولویت های حزبی
سطح اجتماعی	کیفیت جامعه * تداوم پذیری - حفظ سرمایه طبیعی * همبستگی اجتماعی - کاهش نابرابری ها و مطرودیت - تقویت روابط و پیوندها	ساختار اجتماعی - جمعیت شناختی - طبقه اجتماعی - اشتغال

## ۱۰- مدل کیفیت زندگی دلفیم و همکارانش

دلفیم و همکارانش، کیفیت زندگی شهری را در ابعاد کلان اجتماعی-اقتصادی و محیطی طبقه بندی کرده اند. به عبارت دیگر، کیفیت زندگی ویژگی های کلی اجتماعی-اقتصادی و محیطی را نشان می دهد. در واقع کیفیت زندگی ابزار قدرتمندی است که برای نظارت بر برنامه ریزی توسعه اجتماع به کار می رود (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶). در هر یک از این ابعاد، شاخص هایی مورد بررسی قرار گرفته است که به طور خلاصه در شکل ۲-۱۳ نشان داده شده است.

شکل ۲-۱۳- ابعاد کیفیت زندگی



مأخذ: ۲۰۰۶، Delfim & et al, به نقل از قالیباف و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۷

- تقریباً تمامی پژوهشگران به سه اصل در ارتباط با مفهوم کیفیت زندگی توافق دارند:
- ۱- کیفیت زندگی یک ارزشیابی ذهنی است و افراد خود بهترین قضاوت کنندگان راجع به کیفیت زندگی خود هستند.
  - ۲- کیفیت زندگی یک ماهیت پویا و دینامیک است، نه ایستا، بدین معنی که یک فرایند وابسته به زمان بوده و تغییرات درونی و بیرونی در آن دخیل می باشند.
  - ۳- کیفیت زندگی یک مفهوم چند بعدی است و باید از زوایا و ابعاد مختلفی سنجیده شود که این ابعاد، اجزای مرکزی چارچوب پنداشتی تحقیقات کیفیت زندگی را تشکیل می دهد (پارسایی، ۱۳۹۱: ۵۳).

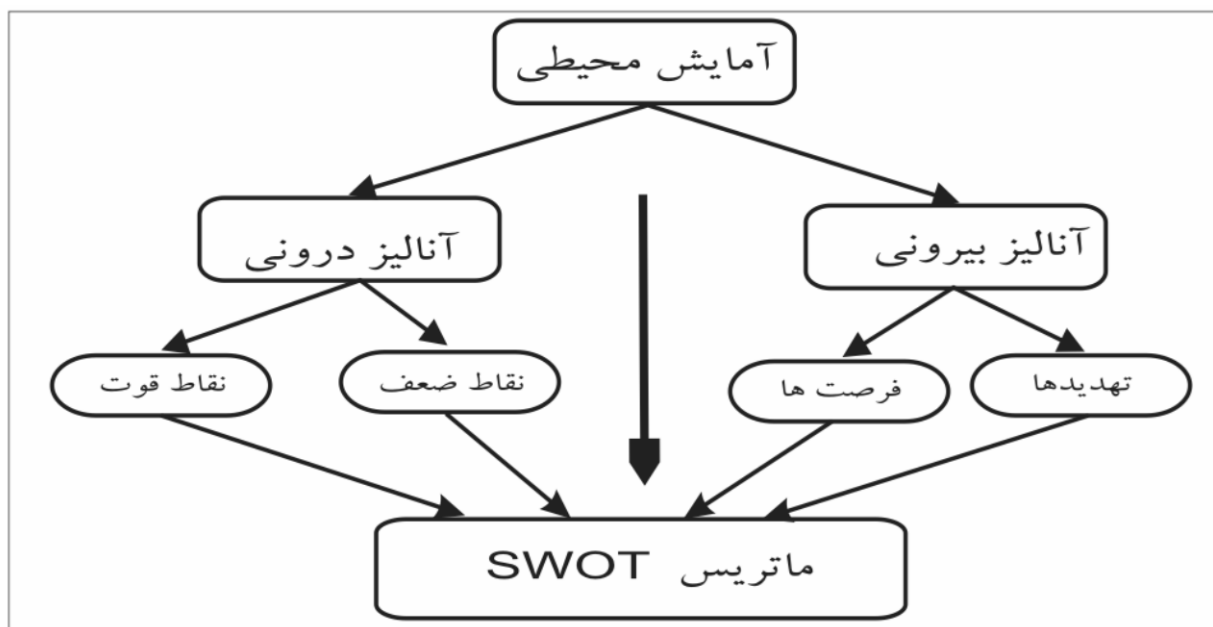
## تکنیک های ارزیابی کیفیت زندگی

### ۱- تکنیک SWOT

SWOT، حروف اول واژگان انگلیسی Strength (S) با معادل فارسی قوت، Weakness (W) ضعف، Opportunity (O) فرصت و Threats (T) تهدید است (سبحانی، ۱۳۸۹: ۱۱۶). تکنیک SWOT یکی از تکنیک های برنامه ریزی راهبردی است، لیکن با شناخته شدن سودمندی آن از دهه ۱۹۸۰ میلادی نظریه پردازان موفق شدند تا دامنه کاربرد تکنیک های یاد شده را از قلمرو برنامه ریزی مؤسسات خصوصی به قلمرو برنامه ریزی و مدیریت شهری در عرصه عمومی و برنامه های دولتی و همگانی تسری بخشیده و با الزامات آن منطبق سازند (گلکار، ۱۳۸۴: ۴۸-۴۷). تدوین استراتژی که اغلب به آن برنامه ریزی بلند مدت استراتژیک نیز می گویند، عبارت است از طراحی مأموریت و سیاست های مجموعه. تدوین استراتژی با تجزیه و تحلیل موقعیت شروع می شود. تجزیه و تحلیل موقعیت عبارت است از پیدا کردن استراتژی یا موازنه استراتژیک بین فرصت ها (بیرونی) و نقاط قوت (درونی) با توجه به تهدیدها (بیرونی) و نقاط ضعف (درونی)، در جهت رفع آنها. عوامل استراتژیک یک مجموعه عبارتند از: نقاط قوت (S)، نقاط ضعف (W)، فرصت ها (O) و تهدیدها (T). این عوامل نه تنها باید به شناسایی ویژگی یا شایستگی بارز مجموعه، توانایی ویژه، منابع تحت اختیار و روش اصلی استفاده از آنها کمک کند، بلکه باید در شناسایی فرصت هایی که مجموعه در حال حاضر و به دلیل نداشتن منابع مناسب نمی تواند از آنها بهره برداری نماید نیز راهگشا باشد (نوحه گر و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۶۴-۱۶۳).

- تحلیل SWOT در قالب جداول طراحی شده و مراحل آن به صورت زیر انجام می شود:
- ۱- تهیه ی فهرستی از فرصت ها، تهدیدها، نقاط قوت و ضعف و در قالب جداول
  - ۲- تشریح و تفسیر هر یک از فرصت ها، تهدیدها، نقاط قوت و ضعف (محمدی ده چشمه و زنگی آبادی، ۱۳۸۷: ۲).
- به طور کلی چارچوب تحلیل تحلیل SWOT به صورت زیر است:

شکل ۲-۱۴- چارچوب تحلیل SWOT



مأخذ: محمدی ده چشمه و زنگی آبادی، ۱۳۸۷: ۳

استراتژی های حاصل از تجزیه و تحلیل SWOT به چهار گروه تقسیم می شوند:  
گروه اول: استراتژی های SO (Maxi-Max):

این استراتژی ها به منظور حداکثر استفاده از قوت های موجود برای بیشترین استفاده از فرصت های محیطی طراحی می شوند. به عبارت دیگر این استراتژی ها، استراتژی های خاص رقابتی بوده و از نقاط قوت بهره برداری بهتر از فرصت ها استفاده می شود.

گروه دوم: استراتژی ST (Maxi-Min):

این استراتژی ها به منظور حداکثر استفاده از قوت های موجود برای حداقل نمودن اثرات تهدیدهای محیط بیرونی طراحی می شوند. به عبارت دیگر این استراتژی ها تهدیدها را با استفاده از نقاط قوت، بی خطر می کند.

گروه سوم: استراتژی های WO (Mini-Max):

این استراتژی ها به منظور حداقل نمودن ضعف های داخل برای بیشترین استفاده از فرصت های محیطی طراحی می شوند. به عبارت دیگر در این استراتژی ها، از فرصت ها، جهت کمزنگ نمودن نقاط ضعف استفاده می شود.

گروه چهارم: استراتژی های WT (Mini-Min):

این استراتژی ها به منظور حداقل نمودن ضعف های داخل برای حداقل نمودن اثرات تهدیدهای محیط بیرونی طراحی می شوند. به عبارت دیگر این استراتژی ها، استراتژی های بقا پذیری در محیط بوده و جهت به حداقل رساندن نقاط ضعف و اجتناب از تهدیدها استفاده می شود (اعرابی، ۱۳۸۷: ۵۵).

#### جدول ۲-۶ - جدول SWOT

فهرست نقاط ضعف (W) (Weakness) (برحسب اولویت) ..... .....	فهرست نقاط قوت (S) (Strengths) (بر حسب اولویت) ..... .....	عوامل داخلی (IFE)      عوامل بیرونی (EFE)
استراتژی های WO (Mini-Max) ..... .....	استراتژی های SO (Maxi-Max) ..... .....	فهرست فرصت های بیرونی (O) (Opportunities) ( بر حسب اولویت) .....
استراتژی های WT (Mini-Min)	استراتژی های ST (Maxi-Min)	فهرست تهدیدات بیرونی (T) (Threats)

.....	.....	( بر حسب اولویت )
.....	.....	.....

## ۲- تکنیک AHP

در ارزیابی هر موضوعی نیاز به معیار اندازه گیری با شاخص می باشد. انتخاب شاخص مناسب این امکان را فراهم می کند که مقایسه ای از درستی بین جایگزینی ها انجام شود. اما وقتی که چند یا چندین شاخص برای ارزیابی در نظر گرفته می شود، کار ارزیابی پیچیده شده و به یک ابزار تحلیلی قوی نیاز خواهد بود. یکی از ابزارهای توانمند برای چنین وضعیت هایی فرآیند تحلیل سلسله مراتبی یا AHP می باشد (مشکینی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳).

روش AHP توسط فردی عراقی الاصل به نام ساعتی، در دهه ی ۱۹۷۰ پیشنهاد شد. این روش، مانند آنچه در مغز انسان می شود، به تجزیه و تحلیل مسایل می پردازد. AHP تصمیم گیرندگان را قادر می سازد اثرات متقابل و همزمان بسیاری از وضعیت های پیچیده و نامعین را تعیین کنند. این فرآیند، تصمیم گیرندگان را یاری می کند تا اولویت ها را بر اساس اهدا، دانش و تجربه ی خود تنظیم نمایند؛ به نحوی که احساسات و قضاوت های خود را به طور کامل در نظر گیرند. برای حل مسایل تصمیم گیری از طریق AHP، باید مسأله را به دقت و با همه جزئیات، تعریف و تبیین کرد و جزئیات آن را به صورت ساختار سلسله مراتبی ترسیم نمود. AHP بر اساس سه اصل زیر استوار است:

الف) اصل ترسیم درخت سلسله مراتبی

ب) اصل تدوین و تعیین اولویت ها

ج) اصل سازگاری منطقی قضاوت ها (مؤمنی، ۱۳۹۳: ۴۰).

روش AHP برای سطح بندی و درجه بندی استفاده می شود و گاهی برای تحلیل های اجتماعی و اقتصادی نیز ممکن به کار رود (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۹). در این روش از روش مقایسه دوتایی استفاده می شود. جهت انجام این روش، در مرحله اول ابتدا تک تک معیارهای مورد بررسی را مقایسه نموده و میزان اهمیت نسبی هر جفت نسبت با توجه به امتیاز بندی بین ۱ تا ۹ اختصاص داده و در یک ماتریس وارد می گردد و به صورت جفتی مورد سنجش قرار می گیرد و وزن هر یک از آن ها در مقایسه با دیگری معلوم می گردد، سپس در مرحله دوم با استفاده از روش نرمال کردن تمام سنجه ها وزن می شوند. در مرحله سوم با در دست داشتن وزن سنجه ها و امتیاز آلترناتیوها به وزن ترکیبی هر یک از سایت ها از طریق حاصل ضرب وزن سنجه ها با امتیاز آلترناتیوها به دست می آید و سایتها، به ترتیب وزنی که به دست می آورند سطح بندی می شوند و مرحله نهایی تعیین سازگاری ها می باشد که در نظر تحلیل گر وجود دارد. به طور مسلم فرآیند تحلیل سلسله مراتبی یکی از جامع ترین سیستم های طراحی شده برای تصمیم گیری با معیارهای چند گانه است زیرا که این تکنیک امکان فرموله کردن مسأله را به صورت سلسله

مراتبی فراهم می کند و همچنین امکان در نظر گرفتن شاخص های مختلف کمی و کیفی را در مسأله دارد (زیاری و رضوانی، ۱۳۸۹: ۷۸).

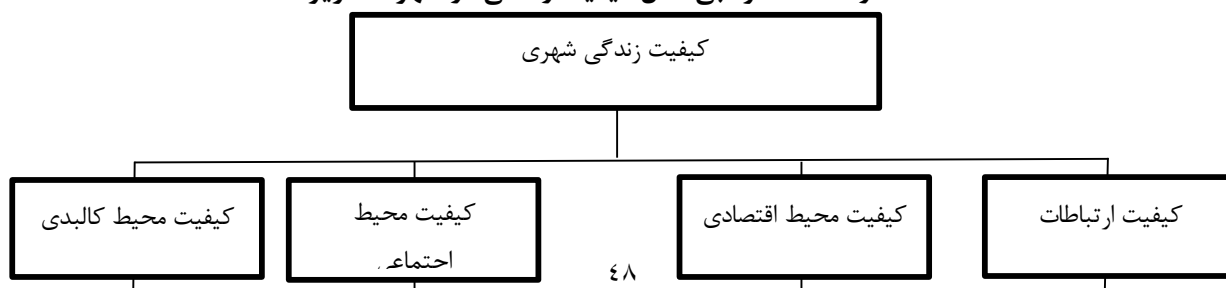
## تجربیات جهانی در زمینه کیفیت زندگی

از دهه ۱۹۳۰ به بعد محققین و صاحب نظران رشته های مختلف فکری و همچنین نهادهای بین المللی (مرکز توسعه سازمان ملل متحد و انجمن توسعه دریاها) به منظور مقایسه و ارزیابی واحدهای مختلف جغرافیایی از نظر سطح کیفیت زندگی شهری، به تعریف مفاهیم و اجزای کیفیت زندگی پرداخته اند (شهپری، ۱۳۹۰: ۲۵). بدون شک آشنایی با مطالعات و تجارب دیگر کشورها در زمینه کیفیت زندگی شهری، کمک خواهد کرد تا جنبه های مختلف این مفهوم پیچیده و چند وجهی، بهتر شناسایی شود و با توجه به نقاط ضعف و قوت هر کدام از برنامه های پیشین و مهم تر از همه، مؤلفه های بومی و منطقه ای به مطالعه و برنامه ریزی دقیق و صحیح در راستای ارتقاء کیفیت زندگی شهری در جامعه خود پردازیم. در این بخش، برخی از تجارب کشورهای پیشرو در امر کیفیت زندگی شهری مطرح و مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

### ۱- آمریکا

مرکز مطالعات کیفیت زندگی در شهر اشکریز، در پژوهش های خود ضمن توجه به جنبه های عینی و ذهنی کیفیت زندگی بر تعریفی از کیفیت زندگی تأکید می کند که سطح و عمق زندگی را می سنجد. به این معنا که ضمن توجه به وضعیت فرد از نظر ثروت مادی، پایگاه اجتماعی و سلامت، برداشت و ادراک فردی از این شرایط و احساس خوب بودن و رضایت از زندگی را نیز ارزیابی می کند. در گزارش کیفیت زندگی مردم، دوازده قلمرو خاص را برای مطالعه کیفیت زندگی مورد توجه قرار دادند که عبارت اند از ازدواج، زندگی خانوادگی، بهداشت، همسایگی، دوستی، شغل، مکان زندگی، مسکن، معیار زندگی، تحصیلات، پس انداز و آموزش رسمی.

ساختار سلسله مراتبی مدل کیفیت زندگی در شهر اشکریز





<ul style="list-style-type: none"> <li>- چیدمان ساختمانها</li> <li>- نوع مسکن</li> <li>- فضاهای سبز</li> <li>- فضاهای تفریحی</li> <li>- خدمات شهرداری و زیرساختها</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- گستره خدمات آموزشی</li> <li>- قیمت خدمات آموزشی</li> <li>- گستره خدمات بهداشتی</li> <li>- قیمت خدمات</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- هزینه زندگی</li> <li>- فرصت پیدا کردن شغل رضایت بخش</li> <li>- هزینه تطبیق</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- وسایل ارتباطات</li> <li>- وسایل حمل و نقل عمومی</li> <li>- جریان ترافیک</li> </ul>
--	--	--	---

بررسی کیفیت زندگی در شهر تایپه، بر حسب میزان رضایتمندی مردم و بکارگیری شاخص های ذهنی در سال ۲۰۰۸ صورت گرفت. شاخص های ذهنی کیفیت زندگی شهر تایپه با الگوبرداری از شاخص های به کار گرفته شده در سنجش کیفیت زندگی ناحیه دیترویت آمریکا و بومی سازی سنجه ها با شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر ایجاد شدند.

جدول ۲-۹- شاخص های ذهنی بکار گرفته شده در ارزیابی کیفیت زندگی ساکنان شهر تایپه

متغیرهای مرتبط با شاخص های ذهنی	شاخص های ذهنی
<ul style="list-style-type: none"> <li>رضایت از نظافت خیابان ها و مکان های عمومی</li> <li>رضایت از نگهداری خیابان</li> <li>رضایت از نحوه جمع آوری زباله</li> </ul>	خدمات شهری
<ul style="list-style-type: none"> <li>رضایت از سهولت پیاده روی در خیابان ها و پارک ها</li> <li>رضایت از آگاهی اجتماعی</li> <li>رضایت از رابطه با همسایگان</li> </ul>	رضایت از واحد همسایگی

رضایت از کیفیت خدمات حفاظتی	
رضایت از جذابیت مکان زندگی رضایت از خوانایی محل زندگی رضایت از مناسب بودن مکان زندگی برای تربیت فرزندان	پایگاه اجتماعی
رضایت از وسایل آسایش زیست رضایت از حفاظت محیط خارج از واحد مسکونی رضایت از شرایط عبور و مرور رضایت از زیرساخت ها	ارزیابی محیطی واحد همسایگی
رضایت از مرکز شهری زیست پذیر رضایت از شکوفایی اقتصادی و محیط شغلی و زندگی رضایت از فرصت های تفریحی در شهر تایپه رضایت از قابلیت اطمینان و امنیت حمل و نقل عمومی در شهر تایپه	وابستگی به محله

جدول ۲-۱۰ جنبه هایی را که در پژوهش های مختلف در زمینه کیفیت زندگی شهری مشخص شده اند، نشان می دهد:

#### جدول ۲-۱۰- جنبه های مختلف کیفیت زندگی شهری

ردیف	محقق	خصوصیات و ویژگیهای بکار گرفته شده
۱	Lui, ۱۹۷۶	۱- اقتصادی، ۲- سیاسی، ۳- محیطی، ۴- اجتماعی، ۵- بهداشتی و آموزشی
۲	Boyer & Savageau, ۱۹۸۱	۱- آب و هوا، ۲- مسکن، ۳- بهداشت عمومی و محیطی، ۴- جنایت، ۵- حمل و نقل، ۶- آموزشی، ۷- هنر، ۸- تفریح، ۹- اقتصادی
۳	Bolmquistetal & et al, ۱۹۸۸ Stover & Leven, ۱۹۹۲	۱- میزان بارندگی، ۲- میزان رطوبت، ۳- درجه حرارت روزهای گرم، ۴- درجه حرارت روزهای سرد، ۵- سرعت باد، ۶- گرمای آفتاب، ۷- ساحل، ۸- جنایات وحشیانه، ۹- سرانه معلم به دانش آموز، ۱۰- دامنه دید، ۱۱- مشارکت موقتی، ۱۲- تخلیه فاضلاب، ۱۳- محل دفن زباله، ۱۴- مکانهای با سرمایه بالا، ۱۵- مکانهای برداشت، ذخیره و دفع زباله
۴	Sufian, ۱۹۹۳	۱- ایمنی عمومی، ۲- هزینه غذا، ۳- فضای زندگی، ۴- استاندارد مسکن، ۵- ارتباطات، ۶- آموزش، ۷- سلامت، ۸- صلح و آموزش، ۹- جریان ترافیک، ۱۰-

تمیزی هوا		
۱- زندگی مورد انتظار، ۲- نرخ بیسواد بزرگسالان، ۳- متوسط قدرت خرید	Human Dev. Index (UNDP, ۱۹۹۴)	۵
۱- مرگ و میر کودکان، ۲- زندگی مورد انتظار، ۳- نرخ بیسواد بزرگسالان	Physical QOL Index (ICQOL, ۱۹۹۶)	۶
۱- درآمد ماهیانه هر فرد، ۲- توزیع درآمد، ۳- هزینه ماهیانه غذا	Protassenko, ۱۹۹۷	۷

مأخذ: Ulengin et al, ۲۰۰۱: ۳۶۲

## نتیجه گیری

اینجانب با توجه به برداشت کلی که از شهر داشتم این شهر را نسبتاً خوب و سر زنده احساس کردم. از جمله توانهای بالقوه شهر می توان به قرار گیری آن در کنار راه مواصلاتی و بین المللی تهران - بندرعباس اشاره نمود و همچنین وجود راه آهن تهران - بندرعباس و عبور آن از این شهر باعث گردیده جایگاه اشکذر را در استان برجسته تر و برتر از بسیاری دیگر از شهرها قرار دهد. همچنین وجود استعدادهای فراوان در زمینه پرورش اسب و همچنین راه اندازی پیست موتور سواری در این شهر می تواند این شهر را به یکی از قطب های گردشگری استان تبدیل کند. از دیگر استعدادهای این شهر می توان به کویر های بکر آن اشاره نمود که می توان این شهر را در جذب توریست در زمینه ی تورهای کویر نوردی و ورزشهای کویری تقویت کرد. از دیگر خصوصیات بارز این شهر می توان به وجود سه دانشگاه آموزش عالی اشاره نمود که هر ساله پذیرای خیل کثیری از دانشجویان از نقاط مختلف کشور می باشد.

در زمینه ی کاربرد اراضی این شهر با توجه به وسعت زیاد باغهای درون شهر که باعث لطافت هوای شهر و همچنین چشم اندازهای زیبای شهر شده است باید با برنامه ریزی درست و حساب شده وضع قوانین خاص از تخریب آنها ممانعت شود و همچنین با طرح های تشویقی توسط شهرداری اشکذر مبنی بر احداث خانه باغ در افق چند ساله این شهر را به بهترین چشم انداز ممکن تبدیل کرد.

خوشبختانه در زمان اخیر با در نظر گرفتن ۲۰۰ هکتار زمین برای پیست بین المللی سوار کاری و همچنین اختصاص دادن زمینی به مترای حدود ۴۰ هکتار به پیست موتور سواری که بصورت موقت راه اندازی شده است و همچنین اختصاص دادن ۲۵ هکتار زمین برای پارک بزرگ شهر که کارهای ابتدایی آن در حال انجام است و همچنین کارهای احداث بیمارستان در این شهر سرانه ورزشی و تفریحی و بهداشتی هر شهروند اشکذری بسیار مساعد و مطلوب خواهد شد که با اتمام این پروژهها و بهره برداری از آنها می توان افق بسیار روشن و مطلوبی را برای این شهر ترسیم کرد.

## منابع

۱. نیازی، محسن و دلال خراسانی، محمد، ۱۳۹۱، تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر کیفیت زندگی شهروندان، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۷، صص ۲۳۲-۲۰۰
۲. محمودی نژاد، هادی و صادقی، علی رضا، ۱۳۸۸، طراحی شهری از روانشناسی محیطی تا رفاه اجتماعی، انتشارات هله، چاپ اول
۳. باسزا، مهدی و عاقلی کهنه شهری، لطفعلی و مسائلی، ارشک، ۱۳۸۹، رتبه بندی شاخص کیفیت زندگی در استان های کشور، رفاه اجتماعی، شماره ۳۷، صص ۹۵-۱۱۲
۴. رضوانی، محمدرضا و شکیب، علیرضا و منصوریان، حسین، ۱۳۸۷، ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، نشریه رفاه اجتماعی، شماره ۳۱-۳۰، صص ۳۵-۵۹
۵. رضوانی، محمدرضا و متکان، علی اکبر و منصوریان، حسین و ستاری، محمدحسین، ۱۳۸۸، توسعه و سنجش شاخص های کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان)، دوره ۱، شماره ۲، صص ۸۷-۱۱۰
۶. رضوانی، محمدرضا، ۱۳۸۷، توسعه گردشگری روستایی با رویکرد گردشگری پایدار، انتشارات دانشگاه تهران
۷. صفری، مهدیه، ۱۳۹۲، رابطه بین تاب آوری و خلاقیت با کیفیت زندگی در دانشجویان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی
۸. گروسی، سعیده و نقوی، علی، ۱۳۸۷، سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در شهر کرمان، رفاه اجتماعی، شماره ۳۰ و ۳۱، صص ۶۱-۸۲
۹. خادمی، امیرحسین، ۱۳۹۲، ارزیابی کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده شهر آمل)، پنجمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشهد، صص ۱۸-۱
۱۰. سیف الدینی، فرانک، ۱۳۸۸، فرهنگ واژگان برنامه ریزی شهری و منطقه ای، انتشارات آیپژ
۱۱. رهنمایی، محمد تقی و اشرفی، یوسف، ۱۳۸۶، فضاهای عمومی شهر و نقش آن در شکل گیری جامعه ی مدنی از دیدگاه برنامه ریزی شهری، جغرافیا (انجمن جغرافیایی ایران)، سال پنجم، شماره ی ۱۴ و ۱۵
۱۲. رهنمایی، محمدتقی و پور موسوی، سید موسی، ۱۳۸۵، بررسی ناپایداری های امنیتی کلانشهر تهران بر اساس شاخص های توسعه پایدار شهری، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۷، صص ۱۹۳-۱۷۷
۱۳. رهنمایی، محمدتقی و منوچهری میانداوآب، ایوب و فرجی ملایی، امین، ۱۳۹۰، تحلیل کیفیت زندگی در بافت فرسوده شهر میانداوآب، مدیریت شهری، شماره ۲۸، صص ۲۴۰-۲۲۳